

هشدار امام!

«...دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد

... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما

برای خدا است ما برای مصالح اسلامی دعا

می کنیم... دعوی من و شما و همه کسانی که

دعوا می کنند همه برای خودشان است...»

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



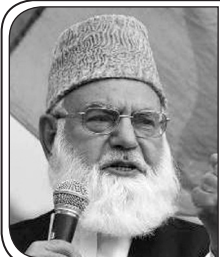
سپاسی. الهامی. فرهنگی

سال سی و سوم / شماره ۲۴

شماره مسلسل ۱۴۴۷

نیمه دوم اسفند ماه ۱۳۹۱

۵۰۰ تومان



قاضی حسین احمد؛
منادی جهاد، صلح
و تقریب

استاد سید هادی خسروشاهی

صفحه ۶



آیت الله جوادی آملی:

با مال حرام
نمی شود منتظر
امام زمان بود

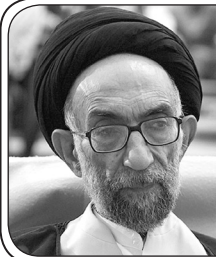
صفحه ۱۱



آیت الله اراکی
در دیدار با سفیر فلسطین:

کرامت امت
اسلامی در گرو
اتحاد است

صفحه ۸



۲۷ سال تلاش آیت الله لاری

از مجله مکتب اسلام
تا تأسیس
مرکز نشر معارف
اسلامی در جهان

صفحه ۹



کشتار شیعیان
پاکستان
تبانی مشترک آمریکا،
سعودی ها و قطری ها

صفحه ۳



دکتر گلشنی:

مسئولان به علاج
ناهنجاری های
فرهنگی توجه
کافی نداشته اند

صفحه ۱۰



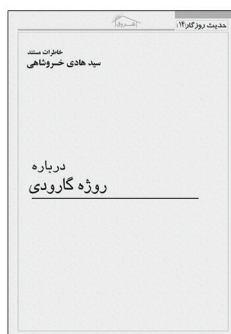
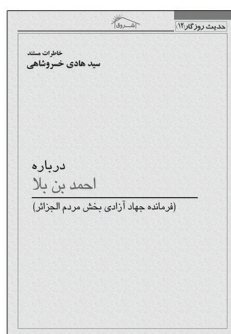
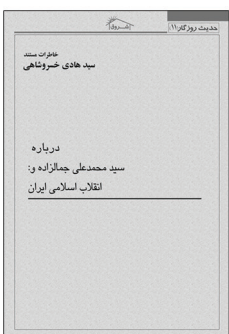
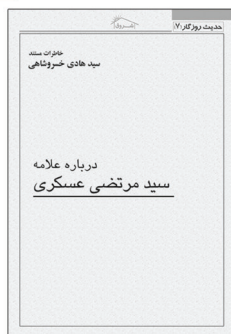
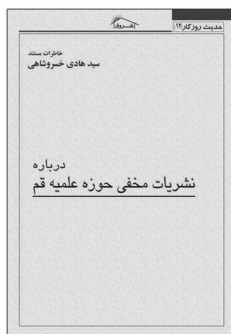
رئیس مجلس عنوان کرد:

سید جمال الدین اسد آبادی؛
سلسله جنبان بیداری اسلامی

صفحه ۱۲

مجموعه ای از خاطرات مستند استاد سید هادی خسروشاهی

ناشر: انتشارات کلبه شروق



مرکز پخش: قم / ابتدای خیابان صفائی / کلبه شروق / تلفن: ۷۷۳۶۴۲۴
خرید اینترنتی: www.ketabeparsi.com

قابل توجه مشترکین محترم نشریه بعثت



سی و سومین سال انتشار نشریه «بعثت» با انتشار این شماره (نیمه دوم اسفند - شماره مسلسل ۱۴۴۷) به پایان رسید. در طول این مدت، از دوستان محترم وجه اشتراکی را مطالبه نکرده ایم! اما اکنون و با توجه به هدفمند شدن! هزینه کاغذ و چاپ و پست و... در سال جدید (۱۳۹۲) نشریه «بعثت» فقط برای مشترکینی ارسال خواهد شد که وجه اشتراک سالانه خود به مبلغ ۱۵ هزار تومان را پرداخت نمایند و شماره فیش واریزی را به دفتر نشریه ارسال نموده یا از طریق تلفن اطلاع دهند.

شماره حساب جهت پرداخت هزینه اشتراک:

۰۱۰۲۴۵۰۰۹۹۰۰۴

باتک صادرات شعبه غدیر قم به نام سید محمود خسروشاهی

منصب پاپی کلیسای کاتولیک چهارشنبه شب به «برگو گلیو» کاردینال آرژانتینی باصالت ایتالیایی ملقب به فرانسیس اول رسید و اکنون وی میراث کهنه انحراف اخلاقی فاش شده بین بسیاری از خادمان این مذهب مسیحیت و همچنین فساد مالی بانک واتیکان (یور) را پیش رو دارد که سبب تزلزل جایگاه مذهبی واتیکان شده است.

حدود ۱۵۰ هزار نفر حاضر در صحن کلیسای سن پی یترو در شهر رم پایتخت ایتالیا و میلیون ها علاقه مند در کشورهای مختلف، توافق ۱۱۵ کاردینال عضو شورای پاپ جدید و ۷۶ ساله را با دیدن دود سفید از دودکش کلیسای سیستینا شاهد بودند شناختند.

پاپ بندیکت شانزدهم ماه فوریه ۲۰۱۳ در یک اقدام بی سابقه در ۶۰۰ سال گذشته، از این مقام استعفا داد که همزمان رسانه ها خبر دادند، ادامه رسوایی های گسترده همجنسگرایی بین خادمان مذهبی این کلیسا، کودک آزاری های جنسی بسیاری از کشیشان کاتولیک در کشورهای مختلف و فساد مالی بانک یور بوده دلیل این استعفا بوده، زیرا پاپ سابق توانست به نتیجه مورد نظر خود برای حل این مسائل دست یابد.

مهمترین مساله برای کلیسای کاتولیک در سراسر جهان که به صورت گسترده در رسانه ها انتشار یافته است، همجنسگرایی بین کشیشان و سوءاستفاده آنان از کودکانی است که خانواده ها برای آموزش مذهبی به کلیسای فرستند. کلیساهای کاتولیک در آمریکا، اتریش، آلمان و حتی ایتالیا مرکز واتیکان، شاهد بیشترین جنجال های در این زمینه بوده اند که دهها پرونده قضایی حل نشده یا منجر به توافق با پرداخت میلیون ها یورو خسارت به قربانیان را شامل می شود و استعفا برخی اسقف ها به اتهام پنهانکاری در این زمینه را نیز در پی داشته است.

کارشناسان معتقدند، واتیکان هنوز براساس قانون سولیبات و دیدگاه سنتی چند صدساله خود، مخالف ازدواج و تشکیل خانواده توسط کشیشان و خواهران راهبه موظف خدمت به کلیسا است که این امر دلیل رشد روزافزون

رسانه های اسپانیایی:

پاپ جدید همدست دیکتاتورهای

نظامی آرژانتین بود

اطلاعاتی که در رسانه های اسپانیایی درباره «خورخه ماریو برگو گلیو» ملقب به پاپ «فرانسیسکو» منتشر شده است، حکایت از آن دارد که رهبر جدید کاتولیکهای جهان با دیکتاتوری نظامیان در آرژانتین طی سالهای ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۳ میلادی همدست بوده است. روزنامه های اسپانیایی نوشته اند که وضعیت زندگی پاپ جدید در دوره آخرین دیکتاتوری آرژانتین، تیره ترین بخش زندگی او را در بر می گیرد، زیرا برخی اسناد نشان می دهد او حتی برخی از کشیشهای کلیسا را نیز به رژیم دیکتاتوری حاکم لو داده بود. آخرین رژیم دیکتاتوری نظامیان در آرژانتین پس از سرنگون کردن حکومت خانم «ایسابل پرون» رئیس جمهوری وقت این کشور امریکای جنوبی در سال ۱۹۷۶ شکل گرفت. آنها، حکومت را میان خود تقسیم کرده و به مدت ۸ سال سرکوب و دیکتاتوری شدیدی را بر آرژانتین حاکم کردند، به گونه ای که در دوران فعالیت آنها، تمامی احزاب و تشکلهای سیاسی و اجتماعی منحل و افراد مظنون به مخالفت، دستگیر و به شیوه های مختلف از جمله «جنگ کثیف» از پای در می آمدند، بدون آنکه کوچکترین اثری از آنها بر جای بماند.

روزنامه «ال پاییس» گزارش داده که سازمان های دفاع از حقوق بشر، پاپ جدید را متهم کرده اند زمانی که اسقف بوئنوس آیرس بود، دو تن از کشیشان فرقه خود را به رژیم دیکتاتوری آرژانتین لو داده بود. همچنین وی از نظر گرایش مذهبی به فرقه «یسوعیون» تعلق دارد که معتقد به اطاعت مستقیم و بی چون و چرا از پاپ هستند. گفتنی است که وی اولین نماینده کلیسای کاتولیک است که در سال ۲۰۱۰ میلادی از مجمع یهودیان آرژانتین موسوم به امیا در بوئنوس آیرس دیدن کرد تا همبستگی خود را با آنها اعلام کند. او همچنین از مولفان کتابی با عنوان «آسمان و زمین» است که همراه با سه تن از رهبران مسیحی و یهودی به نگارش درآمده است.

انحراف اخلاقی بین خادمان کلیسا می باشد.

واتیکان با این دیدگاه که خادمان به خداوند، کلیسا و مسیح باید تمام وجود و هستی خود را وقف خدمت به مذهب کنند، ازدواج کشیشان و خواهران راهبه را منع کرده است و بر اجرای جدی آن نیز تاکید می کند، بگونه ای که در صورت تخلف، باید از ادامه زندگی خانوادگی چشم پوشند یا در صورت سرپیچی، از گروه خدمتگران موظف خارج شوند و مانند دیگر مردم زندگی کنند. کارشناسان اجتماعی و همچنین بسیاری از مقامات سابق کلیسای کاتولیک معتقدند که قانون منع ازدواج بین خادمان این مذهب، ریشه در مسیحیت ندارد و یک بدعت می باشد و تا زمانی که این منع برداشته نشود، فساد زیرزمینی بین خادمان کاتولیکی و قربانی شدن شمار بیشتر کودکان ادامه خواهد یافت.

چندی پیش نیز کارل گراف رییس کلیساهای کاتولیک برن سوییس مخالفت خود را با اجباری کردن قانون ممنوعیت ازدواج کشیش ها اعلام کرد و گفت: باید این قانون برچیده شود.

با توجه به اینکه رسانه ها در نخستین واکنش به انتخاب پاپ جدید اعلام کردند که برگو گلیو به اردوگاه فوق محافظه کاران واتیکانی نزدیک است، پیش بینی کردند که امیدها برای تغییر رویکرد سنتی واتیکان به مسائل روز و حل بحران کمرنگ تر خواهد شد.

بحران کودک آزاری جنسی کشیشان و انحراف اخلاقی که با جلوه همجنسگرایی تبلور یافته است، بزرگترین ضربه را به جایگاه این مذهب بین یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون نفر پیور آیین کاتولیک وارد کرده است. همچنین این موضوع که زن در مذهب کاتولیک اعتبار بسیار کمتری از مردان تا حد نادیده گرفته شدن دارد، سبب شده است بیشترین واتیکان گریزی بین زنان در غرب مشاهده شود.

از نگاه کارشناسان، این موضوع که تمامی ۱۱۵ عضو شورای انتخاب پاپ مرد هستند و حتی یک زن در این جمع حضور ندارد، نشان می دهد که زنان بیش از همه قربانی این دیدگاه هستند در حالیکه جایگاه والای حضرت مریم (س) مادر حضرت عیسی مسیح (ع) بزرگترین دلیل گسترش مذهب مسیحیت در عصر قدیم بوده است.

میراث واتیکان برای فرانسیس اول - از رسوایی های اخلاقی تا فساد مالی

تلاش می کنند معرفی برگو گلیو با ملیت آرژانتینی را نخستین تغییر در سنت کهنه انتخاب پاپ اروپایی را بزرگنمایی کنند، اما همزمان منتقدان اعلام کرده اند، با توجه به اینکه پدر پاپ جدید ایتالیایی بوده است، این انتخاب در چارچوب تلاش واتیکان برای حفظ قدرت اروپا در کلیسای جهانی کاتولیک بوده است.

با توجه به اینکه بیش از ۴۳ درصد جمعیت کاتولیک ها در آمریکای لاتین زندگی می کنند، پیش از آغاز نشست های انتخاب پاپ، لزوم انتخاب یک غیراروپایی یا سایهپوست به عنوان ضرورت شکستن انحصار قدرت اروپایی ها در واتیکان مطرح شده بود که از نگاه کارشناسان انتخاب برگو گلیو کمترین پاسخ ممکن به این خواسته ارزیابی شده است.

واتیکان هرچند پس از برگزاری چهار نشست فوق محرمانه شورای کاردینالی و انتخاب پاپ جدید، این پرونده را بست، ولی باید نفوذ موازی و معنوی پاپ بازنشسته بندیکت شانزدهم را که در مدت بیش از هفت سال حضور خود در این مسند، به یک شخصیت بین المللی تبدیل شده است را نیز بپذیرد.

همزمان برگو گلیو در جایگاه پاپی باید افزون بر تلاش برای حل پرونده های نایسته و جنجالی که در رسانه ها و محافل مذهبی کاتولیکی دلایل استعفا ی پاپ سابق اعلام شده است، برای بازایی اعتماد مذهبی، اخلاقی و مالی از دست رفته میلیون ها کاتولیک به این کلیسا تلاش کند. اما از نگاه کارشناسان، با توجه به اینکه بررسی ها نشان می دهد، پاپ های سابق نتوانستند در این موارد موفق شوند، فرانسیس اول هم با توجه به کهنسالی و پیچیده بودن لایه های پنهانی قدرت در واتیکان، شانس بیشتری از اسلاف خود بویژه پاپ سابق نخواهد داشت.

اکنون پاپ جدید نیز به عنوان میراث دار دوران تفتیش عقاید در اروپا و غرب که از نگاه کارشناسان سیاه ترین پرونده کلیسای کاتولیک در دوران حاکمیت واتیکان (پیش از رنسانس) شناخته می شود، باید برای پرسش های کهنه و نو مطرح در افکار عمومی کاتولیک ها، پاسخ های منصفانه همراه با مسئولیت پذیری بیابد تا خلاف پیشینیان خود، کارنامه قابل قبولی از خود برجای گذارد.

هادی مولوی نیا - ایرنا

از سوی دیگر، زنان که حتی نمی توانند در آیین کاتولیک کشیش شوند و در این جایگاه خدمت کنند، فقط از این امکان برخوردارند که در حد خواهران دینی یا راهبه امور سطح پایین و صومعه ها را انجام دهند و از دستورهای کشیشان پیروی کنند در حالیکه در دیگر شاخه های مسیحیت این محدودیت ها و موارد دیگر کمتر یا اصلا وجود ندارد. همچنین کارشناسان اجتماعی و دینی، تاکیدات مکرر حضرت عیسی مسیح (ع) مبنی بر اینکه خانواده نهاد مقدسی است و فروپاشی آن نیز گناهی بزرگ است، سبب شده واتیکان با ادامه اجرای قانون سولیبات در برابر یک تعارض مذهبی قرار گیرد. همچنین مقاومت کلیسا در برابر تغییرات زندگی از جمله اصرار بر منع استفاده از وسایل تنظیم خانواده سبب شده است، این موضوع بدون اینکه راه حلی برای آن پیدا شود، دلیل دیگری برای انزوا ی واتیکان بین پیروان این مذهب باشد که از نگاه کارشناسان نادیده گرفتن گسترده این دستور واتیکانی، نشانه دیگری برای لزوم ایجاد تغییرات عمده در دیدگاه سنتی کلیسای کاتولیک است.

افزون بر این موارد، فساد کهنه ولی تازه فاش شده مالی بانک واتیکان یا «یور» که دامنه بین المللی آن از چندی پیش به این سو، مرکز مذهب کاتولیک را در تنگنا قرار داده است، جایگاه معنوی این کلیسا را بیشتر متزلزل کرده است.

هنوز خبر انجام اقدامی جدی برای برخورد با این فساد مالی توسط واتیکان که به عنوان کشوری مسقل در رم فعالیت می کند، منتشر نشده است و گزارش ها نشان می دهد که ابهامات موجود حتی می تواند دامن مقامات ارشد اجرایی و بانکی کلیسای کاتولیک رادر برگردد.

افزون بر این پرونده، درآمدهای بسیار زیاد مالی کلیسای کاتولیک در سراسر جهان بویژه آمریکا به عنوان اخذ مالیات کاتولیکی از پیروان این مذهب و املاک و دارایی های فراوان در کشورهای مختلف بویژه شهر رم و ایتالیا همراه با نبود یک گزارش آشکار مالی، سبب شده واتیکان که فقط محل فعالیت و زندگی حدود ۱۰۰۰ نفر از اسقف ها و مقامات بلندپایه این مذهب است، در برابر اتهام ابهام و فساد مالی قرار گیرد.

از سوی دیگر، هرچند محافل نزدیک به واتیکان

معرفی کتاب «واتیکان، دنیای اسلام و غرب»

«نبرد با اسلام! واتیکان و مفهوم همزیستی مسالمت آمیز» عنوان بخش نهم این کتاب، مقاله ای از نویسنده در سال های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی است که نویسنده به عنوان یک فعال مسائل جهان اسلام، شعار همزیستی مسالمت آمیز کلیسا با مسلمانان را نقشه تازه واتیکان برای ادامه

کارهای غیر قانونی در کشورهای اسلامی و توطئه ای برای جلب توجه مسلمانان بی اطلاع و ساده اندیش و ساده دل می داند.

نویسنده در بخش آخر کتاب هم به اهداف تبشیر در دنیای اسلام می پردازد که این بخش، متن سخنرانی دیپلو. آچ. تی. گاردنر در کنفرانس جهانی تبشیر است که نزدیک به ۹۵ه قبل در کنفرانس خاص «پدران روحانی» ایراد شده و بر ضرورت گسترش دامنه کار مسیونرهای مذهبی در دنیای اسلام جهت تبشیر مسیحیت و مبارزه با اسلام و مسیحی کردن جهان اسلام تأکید می کند.

همچنین در بخش ملحقات هم نامه ها، یادداشت ها و گفت وگوهای مهمی ذکر شده است که مطالعه آن خالی از لطف نیست و حقایق دیگری را از روابط واتیکان با دنیای اسلام را رو می کند. اسناد و عکس ها، پایان بخش این کتاب ارزشمند تحلیلی و انتقادی هستند.

یادآور می شود، «واتیکان، دنیای اسلام و غرب» در ۳۳۶ صفحه و در ۵۰۰۰ نسخه قطع رقی و با قیمت ۲۰۰۰۰ ریال روانه بازار کتاب شده است. برای خرید اینترنتی این کتاب می توانید به سایت www.ketabeparsi.com مراجعه نمایید.



علیه واتیکان» تلقی و تعبیر کرد.

روابط واتیکان با فاشیسم، بخش دوم این کتاب را تشکیل می دهد. محور این بخش از کتاب، گزارشی کوتاه از یافته های فرید لندر، اسناد تاریخ در مؤسسه تعلیمات عالی دانشگاه ژنو است که به هنگام نگارش پایان نامه تحصیلی اش به اسنادی درباره روابط واتیکان در زمان پاپ پیوس دوازدهم با هیتلر و آلمان نازی دست یافته بود.

نویسنده در بخش سوم، اهداف واتیکان در دنیای اسلام را بررسی می کند و در بخش چهارم، به روابط واتیکان و صهیونیسم پرداخته است.

در بخش پنجم کتاب، روابط واتیکان با اسرائیل ذکر می شود که مقاله ای دیگر درباره روابط بین آنهاست و اکنون پس از گذشت سال ها، اغلب پیش بینی های نویسنده تیزبین، درباره گسترش روابط واتیکان و اسرائیل غاصب تحقق یافته است. روابط واتیکان با امپریالیسم آمریکا، عنوان بخش ششم این کتاب است. که به مناسبت سفر ریگان به واتیکان نوشته شده است. در بخش هفتم این کتاب تحلیلی، متن گفتگوی ماهنامه Giomi ۳۰ (سی روز در کلیسا و جهان، چاپ رم ایتالیا) با نماینده اسبق جمهوری اسلامی ایران در واتیکان می آید که به مناسبت پایان مأموریت پنج ساله حضور وی در واتیکان صورت گرفته است.

«مسئولیت واتیکان»، عنوان بخش هشتم این کتاب است که از تضاد عمیق سیاست ظاهری واتیکان در قبال جمهوری اسلامی با سیاست های پنهانی آن خبر می دهد و از موضع گیری علنی کلیسا در قبال ایران اسلامی، به شدت انتقاد می کند.

سیاسی - اجتماعی - فرهنگی	
بشش ۳	شماره ۲۴
شماره مسلسل ۱۴۴۷	
جهان اسلام	نیمه دوم اسفندماه ۱۳۹۱
پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com	

کشتارشیعیان پاکستان،تبانی مشترک آمریکا،سعودی‌هاوقطری‌ها
کشتار دردناک شیعیان پاکستان و سکوت جامعه جهانی در برابر جنایت قتل عام شیعیان، از وجود یک توطئه سازمان یافته و مشترک آمریکائی ، سعودی وقطری برای ایجاد فتنه مذهبی در منطقه حکایت دارد.
حسن‌هانی‌زاده در یادداشتی نوشت: نفوذ وهابی‌ها و سلفی‌های جنایتکار در سازمان های اطلاعاتی و نیروهای مسلح پاکستان هر چند سابقه طولانی دارد اما به نظر می رسد زمان تشدید کشتار شیعیان پاکستان بی ارتباط با رخدادهای منطقه نیست.
شکست طرح امریکا، عربستان ، قطر وترکیه برای سرنوگونی نظام سوریه در یک فرآیند زمانی ۶ ماهه به تغییر رویکرد این کشورها منجر شد.حوادث اخیریی که در مرزهای مشترک لبنان وسوریه،رخدادبخشی ازیک‌استراتژیمنطقه‌ای وبین المللی برای ایجاد تقابل میان شیعه وسنی قرار دارد.
ارتش موسوم به آزاد سوریه و جبهه تروریستی النصره سوریه اخیرا با حمله به ۸ه وستای لبنانی در مرزهای سوریه شماری از شیعیان بی‌دفاع این منطقه را به شهادت رساندند. هدف از این حمله که هیچگونه توجیه نظامی وامینیتی ندارد کشاندن حزب الله به یک جنگ ناخواسته در سوریه است تا این جنبش را در دراز مدت دچار فرسایش کنند.
پیش ازاین نیز تروریست‌های سلفی وهوهای سوریه با حمله به مراقد مقدس شیعیان در حومه دمشق تلاش کردند تا شیعیان سوریه و لبنان را به یک عکس العمل احساسی وادر کنند.
اما عقلا‌نیت رهبران حزب الله وخویش‌تننداری شیعیان وعلوی های سوریه مانع از بروز یک جنگ تمام عیار مذهبی در سوریه شد هر چند که بحران دو ساله این کشور اساسا ریشه مذهبی دارد.
پس از ناکام ماندن تلاش های آمریکا، عربستان، قطر و ترکیه برای تحمیل یک جنگ طایفه ای ومذهبی در لبنان وسوریه، این کشورها متوجه عراق شدند و تحریک اهالی ۳ استان سنی نشین الانبار، موصل وصلاح الدین علیه شیعیان عراق به بهانه مخالفت با دولت نوری المالکی، بخشی ازاستراتژی آمریکا و هم پیمانان منطقه ای این کشوررا تشکیل می‌دهد.
در طول دو ماه گذشته عناصر فتنه گر، بقایای حزب بعث و سلفی های نشاندار عراق با نفوذ در ۳ استان سنی نشین عراق شعارهای اهانت آمیزی علیه شیعیان عراق سر دادند. اما ابتکار دولت نوری المالکی و رهنمودهای مراجع شیعه نجف وکربلا تا کنون مانع از بروز یک جنگ مذهبی در عراق شده است.
این ناکامی ها موجب شد تا قطر وعربستان که در جریان بحران ۲ ساله سوریه بیش از ۳۶ میلیارد دلار کمک مالی وتسلیحاتی در اختیار تروریست‌های سوریه قرار داده اند، متوجه پاکستان شوند. کشتار دردناک شیعیان بی‌دفاع پاکستان که قطعا بدون آگاهی سازمان های اطلاعاتی پاکستان نیست نشان می‌دهد که حجم توطئه علیه شیعیان فراتر از اختلافات محلی وبومی است.
نزدیک شدن آمریکا وغرب به هند برای انزوای پاکستان و انتقاد آشکار آمریکا از سیاست های آصف علی زرداری رئیس جمهوری پاکستان به دلیل تعامل مثبت با ایران در چارچوب این توطئه منطقه ای وبین المللی قرار دارد.
هدف نهائی ترسیم شده، ایجادتقابل میان اهل سنت با محوریت عربستان وقطر از یکسو،وشیعیان با محوریت جمهوری اسلامی از سوی دگراست، تا در پرتو آن سیاست «هرج ومرج سازنده» آمریکا در منطقه عملیاتی شود لذا هوشمندی دولت پاکستان و بسیج نیروهای مسلح این کشور برای حمایت از شیعیان و سرکوب تروریست‌های لشکر جهنگوی می تواند مانع ازادامه کشتار شیعیان شود.
در غیر این صورت منطقه در آینده شاهد یک جنگ مذهبی گسترده ای خواهد بود که تاثیرات منفی آن دهها سال برامنیت وثبات منطقه باقی خواهد ماند.
منبع:تسنیم

دیکتاتورهای واشنگتن و لندن در بحرین نقاب از چهره برداشته‌اند

بیمارگونه و نامعقولی نسبت به شیعیان نفرت دارد. پیش از اکتشاف نفت در دهه ۳۰ میلادی، پادشاهان آل خلیفه از طریق استثمار ماهیگیران، یابندگان مروارید و نخل کاران، تن پروری می‌کردند. آنها مردم مظلوم و اسیر بحرین را کشته و مورد تجاوز قرار می‌دادند. دفتر استعماری انگلیس به صورت مناسبتی نوکران خود در آل خلیفه را به دلیل این جنایات ملامت می‌کرد اما در کل با چشم پوشی نسبت به جنایات این رژیم، در توحش آنها شریک بود. همانطور که در ادامه این مقاله خواهیم دید، از آن زمان تاکنون وضعیت در بحرین آنچنان تغییر نکرده است.

بعد از اکتشاف نفت، سرنوشت مردم بحرین بیش از پیش با ظلم و استبداد گره خورد. آنها با فقر، بیکاری، بیماری و آلودگی روبرو شدند و در مقابل راهزنان آل خلیفه و نزدیکان آنها خود را تبدیل به ثروتمندترین افراد روی زمین کردند. ثروت نفتی بحرین تنها برای ثروتمند شدن یک خاندان به کار گرفته شد و در مقابل کل مردم این کشور رها و در سرزمین مادریشان با آنها همانند بیگانگان رفتار شد. این کاملاً حقیقت دارد. حاکمان آل خلیفه از اکثریت شیعه این کشور آن چنان هراس داشتند که عاملدانه از شبه قاره هند و شرق دور کارگران خارجی وارد کردند تا بدین ترتیب مردم بومی کشور را در حاشیه قرار داده و آنها را از توسعه اجتماعی محروم کنند. بیش از نیمی از کل ساکنین بحرین کارگران مهاجری هستند که از کشورهایی مانند هند، پاکستان، بنگلادش و فیلیپین به آن کشور آمده‌اند.

فرایند وارد کردن کارگران خارجی و تابعیت دادن به اعراب سنی از کشورهای همسایه، سیاستی یکپارچه جهت دخل و تصرف در جمعیت بحرین است تا بوسیله آن قدرت دموکراتیک مردم بومی این کشور از بین برود. این پروژه عظیم بعد از استقلال بحرین از بریتانیا در سال ۱۹۷۱ سرعت گرفت. پول نفت بحرین منبع مالی این پروژه است که این مسئله خود به تلخی ظلم و ستم علیه مردم بومی این کشور می‌افزاید. فرایند نا عادلانه غریبه سازی و به حاشیه راندن بحرینی‌ها توسط شیادان آل خلیفه با کمک ثروت‌ها و منابع طبیعی همین کشور در جریان است؛ ثروتی که رژیم متجاوز بحرین به شدت در حال تاراج آن است.

در چنین شرایطی بود که مردم بحرین در فوریه ۲۰۱۱ علیه رژیم انگلی این کشور به پا خواستند؛ قیامی که تا امروز علی رغم خشونت و سرکوب قاعده‌مند ادامه داشته است.

اگر حمایت حیاتی کشورهای خارجی نبود، رژیم به شدت فاسد بحرین حتی یک روز هم در مقابل اراده و خواست مردم دوام نمی‌آورد. اول اینکه، عربستان سعودی و دیگر حاکمان عرب حاشیه خلیج فارس با ارسال نیروی نظامی جهت پشتیبانی از نیروهای امنیتی مزدور آل خلیفه و همچنین با تزریق میلیون‌ها دلار کمک مالی برای سرپا نگاه داشتن اقتصاد بحرین، در حفظ قدرت حاکمان در شرف سقوط این کشور نقشی عمده داشته‌اند.

دوم و مهم‌تر اینکه رژیم بحرین به دلیل برخوردار بودن از حمایت بی قید و شرط واشنگتن و لندن توانسته تاکنون از مطالبات دموکراسی خواهانه جان سالم بدر ببرد. علی رغم اینکه رهبران بحرین کارنامه‌ای مملو از سرکوب و تخلف دارند، تجارت، بازرگانی، دیپلماسی و همکاری نظامی غرب با آنها بدون کوچکترین خللی ادامه داشته است. دولت‌های آمریکا و انگلیس به طور کامل از قاتلان و

رژیم بحرین با اعمال یک قانون جدید نشان داد که تا چه حد از مردم این کشور هراسان است. بر اساس این قانون هر کسی که نقاب در اختیار داشته باشد، زندانی می‌شود.

نقاب مذکور تصویری از چهره گای فاکس، انقلابی قرن هفدهم در انگلیس است که تلاش داشت طی طرحی به نام توطئه باروت پارلمان انگلیس را منفجر کند.فیلم‌وی مثل وندتا (V for Vendetta) ساخته شده در ۲۰۰۵ از تصویر گای فاکس در یک شرایط و سناریوی مدرن انقلابی در انگلیس استفاده کرده است. در سال‌های اخیر این ماسک تبدیل به یک نماد جهانی برای اعتراضات مردمی شده است و می‌توان به استفاده معترضان جنبش تصرف وال استریت در امریکا و تظاهر کنندگان بی‌شمار در اروپا از این نقاب اشاره کرد.

آنهایی که این نقاب پلاستیکی را بر چهره می‌گذارند، به هیچ وجه شریر و جامعه ستیز به نظر نمی‌آیند. این ماسک در بدترین حالت باعث می‌شود که افراد، کمی از خود راضی و بی‌مزه و نه یک انقلابی خطرناک به نظر برسند. با وجود این، نقاب گای فاکس باعث شده که رژیم حاکم در بحرین به ترس و دلهره شدید بیافتد و استفاده از این نقاب دردرس ساز را در این جزیره عربی ممنوع اعلام کند.

نکته طعنه آمیز ماجرا این است که رژیم بحرین و دولت‌های غربی حامی آن خود همگی نقاب بر چهره دارند و سرکوب مرگبار اعتراضات در این کشور عربی به نمایان شدن چهره حقیقی و زشت آنها کمک کرده است.

سیاست تسامح یا تحمل صفر که از سوی به اصطلاح پادشاه آل خلیفه در قبال یک ماسک خنده دار اعمال می‌شود، خود امری مضحک و خنده دار است. با توجه به اینکه ماجرای گای فاکس در قرن هفدهم رخ داده است، این مسئله به خوبی ذهنیت قرون وسطایی یک رژیم عقب افتاده و مرتجع را نشان می‌دهد. این «حکم سلطنتی» به خوبی نشان می‌دهد که حاکمان بحرین در مقابل کوچکترین امری که حاکی از ناراضیاتی عمومی باشد، تا چه حد خودباخته و عصبی می‌شوند. این واکنش عصبی یک فرد خودبزرگ بین است که نمی‌تواند تحمل کند ظلم استبدادی‌اش مورد نافرمانی یا استهزا قرار بگیرد.

و مردم بحرین کاملاً حق دارند که بیشترین میزان تحقیر، اهانت و بی‌احترامی را نسبت به رژیم این کشور نشان دهند. این خاندان قاتل و راهزن از ۲۳۰ سال پیش یعنی زمانی که توسط انگلیس به جزیره بحرین تحمیل شد، بر ساکنین و مردم بومی این کشور حکمرانی می‌کند. خلفای شید و دروغین بحرین در اصل یک قبیله بادیه نشین از شبه جزیره عربستان بودند که وحشیگری و گردنکشی‌شان از سوی دولت انگلیس به عنوان روشی موثر و کارآمد برای کنترل بحرین و مسیر راهبردی تجاری خلیج فارس در نظر گرفته شد. عناوین سلطنتی و پر زرق و برقی که حاکمان بحرین طی دهه‌های بعد به خود دادند، این حقیقت را که آل خلیفه همچنان گروهی متشکل از راه زنان، سارقان و آدم کشان است، تغییر نمی‌دهد.

همانند رابطه‌ای که بین یک انگل و میزبان آن برقرار است، دزدان آل خلیفه خون مردم بحرین را از زمان روی کار آمدن میکده‌اند. اکثریت ساکنین جزیره بحرین شیعه هستند و این در حالی است که رژیم غیرمنتخب آل خلیفه علناً سنی است و همچنین با خاندان وهابی آل سعود نیز به شدت همدست و متحد است. خاندانی که به شکل

رهبر شیعیان ترکیه نسبت به توطئه وهابیون در سوریه هشدارداد

وی تاکید کرد این هجمه تبلیغاتی غرب،تلاشی برای کتمان واقعیتها توسط جامعه جهانی درباره جنایات رژیم صهیونیستی در حق ملت مظلوم فلسطین است.

اوزگوندوز، وهابیت را توطئه انگلیسی ها برای مقابله با رشد اسلام واقعی و ترویج اسلام مدنظرغرب خواند و گفت: غرب به دست عربستان سعودی پنج هزار مدرسه برای ترویج وهابیکری برای آموزش طالبان و القاعده در پاکستان ایجاد کرد و سالهاست که مسلمانان به دست عناصر این فرقه به خاک و خون کشیده می شوند و آخرین حلقه عملیات آنها پس از افغانستان و عراق، به سوریه سوق داده شده است.

او با اشاره به ناکامی امپریالیست ها از اسرائیلی کردن لبنان و خنثی کردن اقدام آنان از سوی جنبش حزب الله،گفت:اسرائیل در سال ۱۹۸۲،لبنان را اشغال کرد و

شکنجه گران آل خلیفه حمایت کرده و یک بازی دروغین را مبنی بر اینکه رژیم مشغول «اصلاحات و مذاکره» است، راه انداخته‌اند. بیل لا، خبر نگار بی‌بی‌سی هفته گذشته گزارش داد «دولت انگلیس تاکید دارد که دستگاه قضایی بحرین عادل و شفاف است.»
در همان هفته بود که محمد بن علی آل خلیفه، قاضی بحرینی و یکی از اعضای خاندان حاکم در این کشور، ۷ جوان را به اتهام تایید نشده اقدام به قتل افسران پلیس به ۱۰ سال زندان محکوم کرد. همانند صدها بحرینی دیگر که در گوشه زندان‌های این جزیره در حبس هستند، این جوان صرفاً بر اساس اعترافاتی که تحت شکنجه بر زبان آورده بودند، به حبس محکوم شدند. از سوی دیگر، در یک پرونده جداگانه، دو افسر پلیس که متهم به قتل یک معترض بودند، با وجود ادله و مدارک فراوان مبنی بر گناهکار بودنشان، تبرئه شدند.
نگاه خوش بینانه دولت انگلیس به دولت بحرین در همان هفته‌ای بود که حاکمان بحرین با تحویل جسد یک معترض به خانواده‌اش جهت خاکسپاری وی آن هم یک هفته بعد از مرگ این معترض مخالفت کردند. محمود الجزیری ۲۰ ساله ۱۴ فوریه در جریان تظاهرات به مناسبت دومین سالگرد خیزش مردم، توسط پلیس از ناحیه سر هدف گلوله قرار گرفت. آثار شکنجه روی جسد وی حاکی از روش شیطانی رژیم برای مخفی نگه داشتن آسیب دیدگی‌های قربانی در ناحیه سر است.
اما این تخلفات، بی‌عدالتی‌ها و رنج و عذاب‌ها در بحرین حکایتگر یک حقیقت سوزان است. رسانه‌های جریان اصلی غرب همانند یک دستگاه تولید بخار، با ایجاد ابری حقیقت پوش مانع درک درست مردم از نحوه عملکرد دولت‌های غربی در جهان بویژه در رابطه با ادعاهایشان در حمایت از دموکراسی و آزادی در سوریه، مالی، ایران و ... هستند. با وجود این، مبارزه مردم بحرین برای آزادی، همانند بوته آزمایشی است که در آن حقیقت از باتلاق دروغ کشورهای غربی جدا می‌شود.
در حالی که رژیم آل خلیفه در تلاش است تا استفاده از ماسک گای فاکس را ممنوع کند، این خود آنها هستند که بدشکل‌ترین نقاب را بر چهره دارند.و این تنها جانیان آل خلیفه نیستند که چنین نقابی بر صورت دارند. واشنگتن و لندن نیز در حمایت خود از این حکام شریر نقاب از چهره بر انداخته‌اند. نقاب‌های پلاستیکی آنها از چهره‌شان افتاده و مردم جهان اکنون قادر هستند ماهیت واقعی دولت‌های امریکا و انگلیس را مشاهده کنند. ادعاهای آنها مبنی بر حمایت از حقوق بشر، دموکراسی و قوانین بین الملل اکنون آشکارا به عنوان اظهاراتی دروغین و گمراه کننده بر همگان فاش شده است. به لطف بحرین، روشن شده که افرادی دروغگو، ریاکار، جنایتکار و خودکامه ساکنان هدایت این به اصطلاح «دولت‌های» غربی را در اختیار دارند؛ سردمدارانی که کوچکترین ارزشی برای آزادی‌های دموکراتیک قائل نیستند.
و این در حالی است که تحت سیاست‌های ریاضتی نظام سرمایه داری، شهروندان امریکا، انگلیس و دیگر کشورهای اروپا نیز در حال روبرو شدن با این بی‌اعتنایی سردمداران خود به دموکراسی هستند.
پرس تی وی مترجم: احسان فتاحی

		
---------------	--	---------------

تأثیر تئوری تکامل

به علاوه ظهور نظریه داروین در رابطه با تکامل و پذیرش آن از طرف دانشمندان جدید و تأثیر آن در همه مراتب زندگی، عامل دیگری بود که جامعه‌های غربی را به تحول واداشت.

رواج نظریه تکامل و تعمیم آن به قلمرو علوم اجتماعی و انسانی، از جمله جامعه شناسی و نظریات اوگوست کنت و تقسیم مراحل حیات عقلانی بشر به سه دوره متمایز (ربانی، عقلانی، علمی) عامل دیگری بود که در رواج اندیشه الحاد و مبارزه با دینات و هر نوع اعتقاد دینی دخالت داشت زیرا که در آن نظریه، دین و دینداری نوعی خرافات تلقی می‌گردید که هرگز با دیدگاه علمی objective سازگاری نداشت.

ظهور ناسیونالیسم افراطی و تأثیر آن در کشورهای اسلامی: ایران، ترکیه، از دیگر آثار تحول غربی بود که آثار آن را در تحولات اجتماعی قرن ۱۹ در ایران و عثمانی، مشاهده می‌نماییم.

پیدایش فلسفه‌های اجتماعی پان ایرانیسم و پان تورانیسم و احیای فرهنگ‌های باستانی ایران قدیم و توران باستان و رواج اندیشه لاتنیسم، ناسیونالیسم و پاکسازی زبان فارسی و ترکی عثمانی از لغات و واژه‌های عربی و مبارزه با آئین اسلام و هر مذهب دیگر به عنوان روشنفکری و ملت پرستی، از آسیب‌های اجتماعی این دوره تاریخ کشورهای اسلامی از جمله عثمانی بوده است.

ضیاء گوکالب روشنفکر قوم گرای ترک

خانم خالده ادیب، از این روشنفکر لائیک به عنوان یکی از مؤسسان ترکیه جدید یاد می‌کند و می‌گوید: ضیاء گوکالب، می‌خواست ترکیه‌ای بوجود آورد که نقش عامل ارتباط میان ترکان عثمانی و دیگر اقوام ترک تورانی را ایفاء نماید و ضیاء گوکالب اعتقاد داشت: اسلام که عرب‌ها آورده است، مناسب شأن ترکان و شایستگی آنها را ندارد، او باید اسلام موجود در ترکیه را چنان اصلاح کند که با طبیعت انسان عهد جدید ترک، وفق دهد.

او به اصلاحات دینی پروتستانت که ممکن است به راستی سرآغاز وحدت ملی مردم اروپا باشد، به دیده ستایش می‌نگریست، او «مجله اسلامی» منتشر کرد و ترجمه ترکی قرآن را در آن منتشر ساخت.

او معتقد بود که ترکان به هر بهائی است باید فرهنگ و تمدن غرب را بپذیرند و غربی شوند. از همه گفته‌های او، بهتر؛ آخرین سخن اوست: «من فرزند ترک، پیرو اسلام و از آن تمدن غربیم» کتاب او که «ترک گرایی، اسلام گرایی، غرب گرایی» نام دارد، حاوی اندیشه‌های فلسفی و اجتماعی اوست.»

استاد شکیب ارسلان از نویسندگان معروف سوریه که خود روزگاری ساکن استانبول بوده و از خاندان‌های مهم اسلامی است در حاشیه کتاب «حاضر العالم الاسلامی – لوتروب ستوارد» می‌نویسد: گروه دومی وجود دارد که گروه «پان تورانیسم» گفته می‌شود. اینها مخالف گروه اول هستند (پان اسلامیسم) این گروه تورانی به ملی گرایی عثمانی (ترک) اسلامی معتقدند. مشهورترین رجال این گروه: ضیاء کوک آلب، احمد آقاییف، یوسف آکچوارا که از روسیه آمده‌اند، جلال ساهر، یحیی کمال احمد... صبحی رئیس اتاق «ترک یوردی» (وطن ترک) و محمد امین بک شاعر ملی معروف و بسیاری از ادیبان و دانشمندان، بیشتر دانشجویان و نسل جدید.

این گروه فکر می‌کنند که نژاد ترک با سابقه‌ترین و اصیل‌ترین قوم متمدن قوم ترک و قوم مغول از یک نژادند و باید به اصل و ریشه خود برگردند. این گروه جامعه ترک مزبور را «پان تورانیسم» جامعه تورانی می‌نامند. پان ترکیسم خود را منحصر به قوم ترک عثمانی نمی‌دانند، بلکه ترک‌های سیبری و ترکستان چین، فارسی (ایران – آذربایجان) قفقاز، آناتول، روملی را پسرعموهای خود می‌دانند، بلکه بیشتر ادعا دارند که نژاد اینها با مغولان، ترک‌های مجارستان و فنلاندیهای اروپا نیز یکی هستند. اصولاً هر کسی که به اصل تورانی،

انتساب دارد، قوم و خویش اینها هستند و مجموعهٔ اقوام ترک روی زمین (در آنروز) به ۷۰۰ میلیون نفر می‌رسد. اینها برخلاف گروه نخست‌اند. این گروه نخست ترکند، بعد مسلمان شعار آنها، نبود دین و اهمال و واگذاری جامعه اسلامی است و اگر در منطق این گروه اسلام، مطرح باشد، اسلامی است که باید در خدمت نژاد ترک تورانی باشد. یعنی اسلام وسیله است و نه هدف. حتی بسیاری از این گروه مبالغه می‌کنند و می‌گویند که: «ما ترکان، کعبهٔ ما «طوران زمین» است.»

اینها از مغول بویژه چنگیزخان تعریف می‌کنند و به هیچ کاری از افعال چنگیزخان انتقاد ندارد (مرحبا به آنها!) و در وصف و تعریف پیروزی‌ها (وحشیگری‌ها) مغول، سرود می‌خوانند که نسل جدید خود را به آن تربیت نمایند!

عصر ناسیونالیسم متقی

عجیب است، به جرأت می‌توان، قرن نوزدهم را عصر حاکمیت ناسیونالیسم منفی، نامید که هر قومی می-خواهد، به استخوان‌های پوسیده باستانی اجداد و نیاکان خود، ببالد و به تعبیر جلال آل احمد، «استخوان-های پوسیده باستان را از گور بیرون بیاورد و آن را فلسفه روز قرار دهد که چگونه اجدادشان دمار از روزگار دیگر ملت‌ها درآورده‌اند: که «مائیم که از پادشاهان باج گرفتیم». از این جهت می‌بینید که: زیاده از حد به خود بالیده‌اند و بسان یونانیان دیگر ملت‌ها را غیر شایسته و به نوعی وحشی تلقی کرده‌اند که یونانیان آن را «بربر» نامیده‌اند و ایرانیان هنر را تنها در پیش خود دانسته‌اند و به قول فردوسی شاعر ملی ایرانی: هنر نزد ایرانیان است و بس.

شاید بیجهت نبود که همزمان سه یا چهار نوع ناسیونالیسم منفی که به نوعی مدعی وحدت نژاد خود بوده‌اند، در خاورمیانه، پیدا شده است:

پان ترکیسم – پان ایرانیسم و پان عربیسم و هر کدام از این «پان»‌ها تنها نژاد خود را خالص دانسته و دیگر ملت‌ها را به دیدهٔ تحقیر نگریسته است.

حزب اتحاد و ترقی و ترکان جوان

در این میان، گروهی در اواخر عصر عثمانی، از عده‌ای از روشنفکران ترک که به شدت از فرهنگ غربی و اصول مادیگرایی اروپا متأثر بوده‌اند در عرصه اجتماع و سیاست ترکیه، ظهور کرده‌اند و خود را طرفداران «اتحاد و ترقی» معرفی کرده‌اند.

«در سال ۱۸۸۹، گروهی از دانشجویان آموزشگاه پزشکی نظامی سلطنتی برای برانداختن سلطان، انجمنی تأسیس کردند. این دانشجویان از ملت‌های گوناگون بودند و نام رسمی انجمن «کمیتة اتحاد و ترقی» بود. اعضای این انجمن، خود را «ترکان جوان» می‌خواندند. اعضای انجمن ترکان جوان از اندیشه‌های اوگوست کنت Auguste conte و امیل دورکیم Emil Durkeim و هانری برگسن Henry Bergson، متأثر بودند. روزنامه «مشورت» ارکان انجمن «اتحاد و ترقی» در اولین شماره خود، برنامه کمیته را اعلام کرد: ۱- برابری همه مردم امپراطوری عثمانی ۲- اصلاح منظم و مسالمت آمیز جامعه ۳- عدم دخالت بیگانگان در امور داخلی کشور.

ترکان جوان از آغاز پیدایش به دو جناح تقسیم شدند: جناح آزادیخواه که از برابری همه مردم به رهبری حکومت مرکزی پشتیبانی می‌کرد و جناح دیگر، خواهان ادامه برتری و سیادت ترکان در امپراطوری عثمانی بود. از جناح آزادیخواهان به سال ۱۹۰۸، حزب آزادیخواه (احرار) و ۱۹۱۱، اتحادیه آزادیخواهان، برخاست.

شکست سپاه ترک در نخستین جنگ بالکان (۱۹۱۲–۱۹۱۳) اعتبار دولت عثمانی را بر باد داد و موجب گشت که «کمیتة اتحاد و ترقی» به رهبری انور پاشا حکومت را بدست گیرد. از آن پس سرنوشت ترکیه به دست یک هیأت سه نفری مرکب از: انور پاشا، طلعت پاشا و جمال پاشا، افتاد. اما این سه نفر هم نتوانستند یا نخواستند در جامعه عثمانی به اصلاحات اساسی دست بزنند. اینها می‌خواستند شریعت اسلام را به نحوی با مدرنسم

دکتر سید محمد ثقفی

تطبیق دهند و خلافت و قانون اساسی را جمع نمایند. اما این وضع نمی‌توانست برای همیشه پایدار بماند. با اینکه جنبش‌های آزادیخواهانه در میان ملت‌های دولت عثمانی نیرو گرفته بودند، اما ترکان جوان، برای حفظ امپراطوری و ادامه سیادت ترکان، پافشاری می‌کردند. گروهی هوادار عثمانیگری و جمعی طرفدار پان اسلامیسم (از نوع عبدالحمیدی) بودند. پیشاپیش استقلال خواهی و به رسمیت شناختن هویت اقوام امپراطوری نضج یافته بود انقلاب ۱۹۰۸ مردم را به آینده خوشبین کرد، در نتیجه، مسیحیان مقدونیه از جنگ دست کشیدند، اعراب از تبدیل امپراطوری عثمانی به امپراطوری ترک و عرب سخن می‌گفتند، بسیاری از ارمنیان، کردان و اقلیت‌های دیگر در انتظار استقلال خود روزشماری می‌کردند.

وقوع جنگ جهانی اول به زیان امپراطوری عثمانی تمام شد و سپاه ترک در صحنه‌های نبرد به سختی شکست خوردند، این شکست ملت را به شدت ناامید ساخت و آرزوی جهانی بودن امپراطوری به یأس تبدیل شد، در نتیجه رهبران جنگ بر این نقطه توافق کردند که به آناتولی برگردند و کشور ترک خالص را با استقلال بخشی به اقوام دیگر حفظ نمایند.

مصطفی کمال و الغای خلافت

عاکف افندی (از رهبران سیاسی و فکری ترک) در سال ۱۸۲۲ پیش‌بینی کرد که: عثمانیان یا پرچمدار اتحاد مسلمین یا مطیع قدرت‌های بیگانه و یا قانع به سرزمین مادری خود «آناتولی» خواهند شد. در پیش‌بینی اول، چون آرزوی یگانگی ترکان جهان، تحقق نیافت، سرانجام بازگشت، به آناتولی را تنها راه چارهٔ خود یافتند و به این فکر راضی شدند.

در ۱۹۱۸ ترکان دریافتند که آینده آنان در سرزمینی نهفته است که مردم آن دارای سلایق و علایق نژادی، ملی و فرهنگی مشترک‌اند. تعریف ضیاء گوکالب از مفهوم ملیت روش آیندهٔ ترکان را مشخص ساخت. او گفته بود: .. ملت، گروه نژادی، جغرافیایی و سیاسی یا اتحادیه اختیاری نیست. ملت متشکل از مردان و زنانی است که یکسان تربیت شده و از زبان و دین و اخلاقیات و زیباشناسی یکسان بهره‌مند باشند.

ناسیونالیسم ترکان هنگام پیروزی و تأسیس جمهوری ترکیه ترکیبی از ناسیونالیسم آزادیخواهان عثمانی (شناسی، ضیا و کمال) ناسیونالیسم وفیق و سواوی و گوکالب بود. مصطفی کمال آتاترک بینانگزار ترکیه نوین، ناسیونالیسم ضیاء گوکالب را با جدا ساختن دین از سیاست و چشم پوشی از ادعای ارضی ترکان، تعدیل کرد و نماینده تازه ترک بود. آتاتورک، یگانه چارهٔ ترکان را بازگشت به آناتولی شناخت.

ویژگی‌های شخصیتی آتاترک

مصطفی کمال به سال ۱۸۸۸ در سالونیک چشم به جهان گشود، پدرش کارمند کوچک دولت بود. کمال شاگرد پرکاری بود، زبان فرانسه را بیاموخت و در آکادمی نظامی تحصیل کرد. همکار «ترکان جوان» گشت. تا جنگ جهانی اول گمنام بود و شخصیت نظامی برجسته‌ای بمانور انور، به او مجال خودنمایی نمی‌داد. با ابراز دلآوری در جنگ، کالیپولی و جبهه قفقاز، کمال معروف گردید. انور به وی لقب «پاشا» داد و فرماندهی سپاه را به او سپرد. ولی قبل از پایان جنگ، مصطفی از انور پاشا که به آلمان تمایل داشت، جدا گردید و در سال ۱۹۰۹ از «اتحاد و ترقی» کناره گرفت و خود حزب مستقلی تشکیل داد.

عرفان اورگا شرح حال نویس «آتاتورک» خلقیات و اندیشه‌های او را چنین تصور می‌کند: «کمال آتاترک، آدمی دیر جوش، تندخو و عصبانی بود، در دبستان، دوستان چندانی نداشت، اما دانش آموزی نمونه، باهوش، کوشا و متواضع بود.

او، علاقه شدیدی به زنان داشت و این جنس لطیف او را مانند مغناطیس جذب می‌کرد. بیشتر شراب می-خورد و خود را با آن آرامش می‌داد، زیرا برای آرامش روح خود، چیز دیگری پیدا نمی‌کرد.

سقوط خلافت و سرگذشت اسلام در ترکیه

بخش پایانی

از آنجا که به خدا و روز قیامت اعتقاد نداشت و اساساً به یک نوع سادیسم مبتلا بود، از تجاوز و تعدی به دیگران، شاد و خوشحال می‌شد. این خصلت در ذات او سرشته شده بود و از همین جهت از کارهای خشن لذت می‌برد.

آتاترک معتقد بود که احتیاجی به دین نیست و به نظر او «دین» واژه‌ای مرموز و فریبنده و عاری از حقیقت است و آنچه حقیقت دارد، آنست که با چشم و دستگاه‌های علمی، مشاهده شود.

او می‌گفت: مذهب مانند لحاف ضخیمی مردم ترکیه را به خواب واداشته و مانع بیداری و پیشرفتشان شده است. کمال با کسی که به قضا و قدر معتقد بود، می‌گفت: خدایی وجود ندارد و انسان تنها خودش سرنوشت خود را تعیین می‌کند.

دربارهٔ اخذ تمدن غرب می‌گفت:

«نظری به وضع اسف انگیز و فلاکت بار مسلمانان جهان بیافکنید که با چه مشکلات بزرگی روبرو هستند و رو به انحطاط و سقوط پیش می‌روند!» چرا و به چه علت؟! به علت اینکه آنها نتوانستند عقل خود را در راه اقتباس این تمدن درخشان (اروپا) و عالی به کار اندازند و همین رمز عقب ماندگی و سقوط نیز هست و از دیگر تمدن‌های جهان عقب مانده هستند و اگر توانسته‌ایم که در این سال‌های اخیر، پیروز شویم و به موفقیت‌هایی دست یابیم، از این جهت است که طرز تفکرمان تغییر یافته و تا اندازه‌ای روشن شده‌ایم.»

در راه این نهضت پیش خواهیم رفت تا انقلاب خود را به تمدن‌های درخشان ملل دیگر برسانیم گرچه در این راه با مشکلات نیز روبرو شویم.»

پس از آنکه آتاتورک تسلط یافت با تیزهوشی، دقت و تشخیص و انعطاف پذیری که داشت، ابتدا (وحیدالدین) سلطان و وزرایش را آلت دست بیگانگان و خائنین به منافع ملی، معرفی کرد. همین که ششم مردم تحریک شد، او با زرنگی به دفاع از سلطان به عنوان قدرت مذهبی پرداخت و گفت: سیاست و مذهب را نباید با هم مخلوط کرد، سلطان خلیفه مسلمین و از این جهت مورد احترام عموم است، پس چرا سلطنت، که یک مقام سیاسی است لغو نکنیم و خلافت را که مذهبی است حفظ نمائیم؟ و به این ترتیب سلطنت عثمانی را که مدت ۷ قرن در ترکیه حکومت داشتند لغو کرد.

او، اسلام را لغو کرد، خط عربی را به خط لاتین تبدیل نمود، کلاه فینه عثمانی را که ترکان بر سر می-نهادند، برداشت و اتحاد شکل لباس را الزامی ساخت، حجاب را به بهانه اینکه «در تابستان زنان از هوای گرم ناراحت می‌شوند، وقتی که مردها را می‌بینند باید رویشان را بگیرند، بگذارید آنها رویشان را به دنیا نشان دهند و فرصت مسافرت و دیدار نقاط مختلف را داشته باشند... مگر زنان و دختران دنیای متمدن اینطور لباس می‌پوشند و چنین رفتار می‌کنند؟!»

دادگاه‌های شرعی را در تمام ترکیه منحل اعلام کرد و ترکی زبان رسمی کشور گردید.

گویند وقتی مصطفی کمال در «چانکایا» ضیافتی برپا کرده بود، یکی از قدیمی‌ترین هم‌زمان او در حوادث سالونیک، به نام توفیق رشنو، به طور ناگهانی وارد شد و در میان هیجانی که به او دست داده بود، دیکتاتور جدید را با تثلث مقدس مسیحیان مقایسه کرد. مصطفی کمال به شوخی به او گفت: منظورت «پسر، پدر، روح القدس» است؟ پس مواظب باش این راز را به کسی نگوئی.!

آتاترک در سوم آذر (مارس) ۱۹۲۴، هنگامیکه قانون لغو خلافت را به مجلس تقدیم می‌داشت گفت:

«امپراطوری عثمانی بر اساس اسلام پایه گذاری شده و اسلام دینی است عربی، آورندهٔ آن عرب و طرز تفکر و تصورات آن تازی است. اسلام زندگی را از ولادت تا وفات با رنگ خاصی (مذهبی) رنگ آمیزی می‌کند و بلندپروازی را در دل پیروان خود محصور ساخته و روح پیشروی و ترقی را محدود می-نماید. دولت ترکیه مادامیکه اسلام دین رسمی آنست از جانب اسلام تهدید می‌شود!»

توانست اکثریت کرسی‌های پارلمان «مجلس ملی ترکیه» را بدست آورد و قدرت را در دست گیرد. اربکان، پس از پیروزی از موضع گرایش‌های اسلامی به چند کشور مسلمان که عمدتاً سیاست‌های اسلامی را در پیش دارند، از جمله ایران، پاکستان، لیبی مسافرت کرد. در اغلب محافل دانشگاهی و خدماتی کشور تحولاتی ایجاد نمود. رهبر معظم انقلاب در آن سال از پیروزی حزب رفاه و حکومت نجم‌الدین اربکان جانبداری کرد.

پس از مدتی دوباره ارتش لائیک ترکیه اربکان را مجبور کرد از دولت استعفاء نماید. و سپس او از طرف دادگاه ترکیه محکوم به عدم فعالیت سیاسی گردید.

در حال حاضر، فعالیت‌ها و آموزش‌های اسلامی در سطح دانشگاه‌ها و شهرهای ترکیه در میان مردم مسلمان آن کاملاً رونق داشته و نفوذ دارد. تأثیر و نفوذ اسلام در این کشور مسلمان هنوز زنده و فعال است. پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا و پذیرش شرایط آن گرچه اشعار می‌دارد که ترکیه سیاست تفکیک دین از سیاست را دنبال خواهد کرد، اما نفوذ ریشه‌های عمیق فرهنگ اسلامی در ملت ترکیه بخصوص نسل جوان، آینده‌امیدبخشی را در این کشور نوید می‌دهد.

چندین سال است که حزب عدالت و توسعه، قدرت و دولت را در دست دارد و رجب طیب اردوغان نخست با رویکردهای اسلامی و در توسعه فرهنگ اسلامی، رفع قانون منع حجاب در دانشگاه‌ها، همراهی بانوان مسلمان با حجاب (روسری سفید) در مراسم دولتی، پشتیبانی از آرمان فلسطین و عتاب و مدامت اسرائیل، ناظران اجتماعی و مسلمانان را امیدوار ساخت. به ویژه اینکه در ارتباط با مسئله هسته‌ای، فتوای رهبری را در تحریم ساختن بمب هسته‌ای از نظر فقه اسلامی را به محافل غربی (۵+۱) قبولاند.

با اینهمه موضع‌گیری اردوغان از تروریسم و القاعده در جنگ سوریه از خطاهای سیاسی این نخست‌وزیر (روشنفکر) اسلام‌گرا است که قابل چشم‌پوشی و اغماض نمی‌باشد.

در شماره‌های بعدی، سرگذشت احزاب اسلامی ترکیه را دنبال خواهیم کرد.

«مؤسسه مالی اسلامی» در آنکارا به وجود آمد. بین سال‌های ۶۴-۱۹۵۰، سالانه بیش از ۱۵۰۰ مسجد در ترکیه بوجود آمد و ساخته شد، سفر حج و زیارت بیت الله الحرام که پیشتر ممنوع شده بود، و نیز آذان به زبان عربی که پیشتر به زبان ترکی خوانده می‌شد، برگردانده گردید و مجدداً آزاد شد. دیگرپاره آئین‌های درویشی و طریقت‌های صوفیانه سابق علنی شدند و پیروان قابل ملاحظه‌ای یافتند.

بعد از مدتی ژنرال گورسل کودتا کرد (۱۹۶۰) و دوباره سیاست‌های آتاتورک تجدید گردید ولی مجدداً در حکومت ائتلافی بلند اجویت (۱۹۷۴) و سلیمان دمیرل، عمدتاً به جهت نفوذ «حزب سلامت ملی» که یکی از احزاب کوچک این حکومت‌های ائتلافی بوده و با گرایش‌های ضد دینی مبارزه می‌کرد، دوباره پیوند دین و سیاست دیگرپاره اعاده گردید. کودتای ژنرال کنعان اورین و حکومت شورای نظامی پنج نفره (۱۹۸۰) دوباره سیاست ضد دینی آتاتورک را تجدید کرد. در این دوره بیشترین اعضای یک سازمان اسلامی با اتهام توطئه برقراری یک حکومت اسلامی، به حبس‌های طولیل‌المدت محکوم گردیدند. از آن تاریخ تقریباً فشار نیروهای امنیتی بر احزاب اسلامی زیاد بوده است. در این دوره «حزب آزادیبخش اسلامی» که خواهان اتحاد همه مسلمانان تحت یک نظام خلافتی واحد و اجرای قوانین شریعت بر اساس قرآن بود دستگیر شدند اما در ۱۹۸۹ که تورگوک اوزال ریاست جمهوری ترکیه را بدست گرفته، طلیعه دوران تازه‌ای از تجدید حیات دینی و رونق فعالیت‌های اسلامی در ترکیه شروع گردید. اوزال نخستین رئیس‌جمهور ترکیه بود که حج گزارده و گاهی در نمازهای جمعه حضور یافته است»

پیروزی حزب رفاه اسلامی

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، قطعاً تأثیر شگرفی در تغییر روند سیاسی جهان، بویژه در فعالیت احزاب اسلامی در کشورهای مسلمان داشت. از جمله آنها، حزب رفاه اسلامی به رهبری نجم‌الدین اربکان، فعالیت حزب اسلامی در عرصه سیاسی ترکیه می‌باشد.

نجم الدین اربکان (متولد ۱۹۲۶) یک مهندس میکانیک و استاد دانشگاه فنی استانبول، که سال‌های متمادی در «حزب سلامت ملی» فعالیت داشت و از سیاستمداران مسلمان ترکیه است، توانست حزب رفاه اسلامی را تأسیس کند. این حزب نخست در شورای شهرهای ترکیه در اکثر شهرداری‌ها پیروز شد و قدرت را بدست گرفت و سپس در سال ۱۹۹۸ در انتخابات کشوری

بشر، درباره تأثیر سوء تغییر خط در فرهنگ اسلامی ترکیه و قطع ارتباط مردم ترکیه از گذشته درخشان خود، می‌گوید:

«در میان مردم چنین شایع است که کتابخانه اسکندریه که حاوی ذخائر علمی بیشتر از ۹ قرن بود، به دستور خلیفه برای گرم کردن آب حمام‌ها به تنورها ریخته شود.

و یا هیتلر در زمان ما، با هر وسیله ممکن، هر شخصی و یا کتابی و یا هر ذخیره علمی که مخالف فکر و عقیده او بود، نابود می‌ساخت.

مصطفی کمال آتاترک معاصر هیتلر، در اتخاذ راه و روش پیروزی انقلاب خود، کوشا تر از هیتلر درآمد. با تغییر خط، همه ذخائر علمی و کلاسیکی و کتاب‌های فارسی و عربی و ترکی، عملاً از دسترس ملت ترکیه خارج گردید و دیگر لزومی به سوزاندن کتابخانه‌ها نداشت.»

آینده اسلام

گرچه ستاره اسلام پس از تسلط دیکتاتور، در ترکیه مقداری رو به افول گذاشت و فرهنگ منحط غربی با زور اسلحه بر ملت مسلمان ترکیه تحمیل گردید و چند روزی غرب زدگان ملی گرا بر ساحت فرهنگی اسلامی ترکیه تاخت و تاز کردند، اما خورشید حقیقت هرگز خاموش نمی‌شود و میراث اسلامی هنوز هم در تاروپود مسلمانان ترکیه حیات خود را ادامه می‌دهد.

به نوشته تحلیلگران جامعه ترکیه:

«در سال‌های اخیر اسلام در ترکیه جان گرفته است. مردم اکنون بیش از گذشته به مسجد می‌روند. آیات قرآن به خط عربی یکجندی زینت بخش دیوار دکان‌ها و قوه‌خانه‌ها بود. مطبوعات اسلامی در ترکیه رونق گرفته است، پس از سال‌ها، ترکان اکنون به زیارت کعبه می‌روند، آن هم در جمعیت‌هایی بسیار زیاد و با چه عشق و علاقه وصف ناپذیر. و برخی از طریقت‌های صوفی اکنون فعالیت خود را از سر گرفته‌اند»

می‌توان فراز و نشیب اسلام را در عرصه سیاسی ترکیه در سال‌های پس از تسلط دیکتاتور تا عصر حاضر، چنین ترسیم کرد:

«با مرگ مصطفی کمال در سال ۱۹۳۸ به این سو، تخفیفی در سیاست‌های ضد دینی وی حاصل گردید. آهنگ این تخفیف بین سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰ با به قدرت رسیدن حزب دموکرات ترکیه تشدید شد و حیات مذهبی مسلمانان این کشور تا حدودی احیاء گردید. تمهیدات و مقرراتی به منظور آموزش عمومی تعلیمات اسلامی بر پایه قرآن مجید وضع شد و یک

خیانت‌های آتاترک

با یک مقایسه کوتاه، اگر صفویان در خلال جنگ‌های قرن ۱۰-۱۱ با امپراطوری عثمانی گرچه از یک طرف توانستند، کشور مستقلی را بوجود آورند و تشیع را رسمیت ببخشند، ولی از طرف دیگر، ایران را از دیگر کشورهای اسلامی، لااقل از نظر سیاسی جدا ساختند، اگر این استقلال ایران در عهد صفویه در خدمت به اسلام تشیع و نشر و گسترش آثار اسلام شیعی، خدمت به حساب بیاید ولی در عمیق کردن خلاف و خصومت میان کلیت جهان اسلام، چندان امتیازی را حائز نمی‌باشد. اما از طرف سوم، هنوز فرهنگ اسلامی نه تنها در ایران و کشورهای شیعی نشین، قطع نگردید که بلکه بسیار عمیق‌تر و بانفوذتر و راسخ نیز شد. اگر در دید برخی از نویسندگان معاصر، تشیع مزبور، تشیع صفوی نامیده شد که خصلت خواب آوری و تخدیر داشت، ولی در کلیت بقای فرهنگ اسلامی و تشیع را تضمین کرد و تداوم بخشید.

ولی تبدیل و تحولات ترکیه بعد از فروپاشی عثمانی و جایگزین شدن جمهوری لائیک به نام «ترکیه نوین» بر ویرانه‌های امپراطوری عثمانی، چندان خاطره انگیز و جالب نبوده است و به دلایلی که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود، خیانت آتاتورک به جهان اسلام و ملت ترکیه، در مقایسه با خدمات ایشان در دفاع از کشور صد چندان بوده است.

- رواج ناسیونالیسم منفی و ترویج شوونیستی نژادی
- تجزیه کشورهای اسلامی با دستاویز ملیت منفی
- نابودی امپراطوری عثمانی که زمانی قدرت حساب شده‌ای در برابر اروپای استعماری بود.
- آیا به راستی یک ملت متمدن که دارای تمدن درخشانی است، می‌تواند با ملت عقب مانده‌ای بمانند مغول که چندان بهره‌ای از تمدن و مدنیت ندارند، یکی شوند؟
- آیا کشوری می‌تواند بدون اینکه مراحل تمدن و سواد و علم را طی نماید با یک کودتا و تغییر قیافه ظاهری متمدن شود؟

عترکیب دو تمدن ناهماهنگ «اسلامی و غربی» که با همدیگر ناسازگارند، و در نتیجه به وجود آوردن نسلی فرهنگی که از هیچکدام بهره کافی ندارند.

- گسستن پیوند فرهنگی میان نسل جدید و میراث فرهنگی غنی اسلامی که از طریق تغییر خط عربی به لاتین صورت گرفت و همه منابع اسلامی و فرهنگ آن که در کتابخانه‌های استانبول و مساجد عثمانی وجود داشتند، بایکوت شده و تعطیل گردیدند.

مورخ انگلیسی: آرنولد، در کتاب خود: نگاهی به تاریخ

رئیس کتابخانه مجلس:

برای شناخت غرب ابتدا باید خود را شناخت

نشانی قرآن این است که خداپرستی واقعی همان اقامه قسط است. در واقع آنجا که عدالت است دیانت نیز است برای همین است که امام زمان(عج) که جامعه ایده‌آل توحیدی را بنا می کند در هیچ روایتی نگفته که امام(عج) همه را مسلمان یا شیعه می کند بلکه همه روایات ما بر اقامه قسط و عدل توسط ایشان تأکید دارد. پس جامعه‌ای که برپا کننده عدالت و قسط و

عدم تبعیض باشد جامعه الهی است.

رجبی با اشاره به اینکه در قرآن ابتدا اموال و بعد انفس آمده است لذا اگر شرایط مادی ایجاد شود آن وقت نحوه تلقی عوض می شود افزود: اول باید شرایط زندگی و زیست درست و سالم برای همگان فراهم کنیم بعد به مسائلی همچون حجاب، اخلاق، روزه و نماز ... برسیم و اصلاً بعدی وجود ندارد چرا که وقتی این شرایط زیست سالم و درست ایجاد شود خود به خود این مسائل را هم به همراه خواهد آورد.

رئیس کتابخانه مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه دیانت یعنی نوعی زندگی نه صرفاً اعتقاد، تصریح کرد: تلقی ای که ما از دین داشتیم خیلی خیلی ناقص بوده است برای همین آنچه درباره غرب و یا خودمان می گوئیم چندان راه به جایی نمی برد. اگر بخواهیم غرب را بشناسیم باید خودمان را ابتدا بشناسیم و پیشینه خودمان نه اسلامی و نه کفر بوده بلکه یک پیشینه مسلمانی بوده است.



کند تا اینکه به اسلام پیوند می خورد. در واقع دیدگاه سنتی ایرانی چه قبل و چه بعد از اسلام، دیدگاه خدایین و خداجو بوده است و این سنت ریشه در عمق ضمیر جمعی ایرانی داشته است.

رئیس کتابخانه مجلس شورای اسلامی در بخشی دیگری از سخنان خود در مورد چگونگی اجرای الگوی اسلامی- ایرانی

پیشرفت و نسبت آن با الگوی توسعه غربی گفت: مشکل بزرگ ما این است که اصلاً نمی دانیم چه می خواهیم چون اصلاً نمی دانیم چه هستیم لذا دیگران را نیز نمی‌شناسیم دیدگاه این است که اسلام یعنی معلومات، قضایا و یکسری گزاره‌هایی که مورد پذیرش است و به نوعی دینی که ما داریم بیشتر مدرسی است، در حالیکه تعریف قرآن و پیامبر(ص) و ائمه معصوم(ع) از دین اینگونه نیست. بنیاد اعتقاد دینی در اسلام، توحید است. قرآن توحید را در آیه «شهد لله انه لا اله الا الله والملائکة...» معرفی می کند. پس عالم دینی عالمی است که قیام برای قسط می کند.

وی افزود: قسط همیشه همراه عدل می آید و قسط یعنی آن حقی که باید داده شود. اسلام دینی است که اساس خود را بر قسط قرار داده است. از دیدگاه قرآن شهادت دادن به خدا با قیام برای برپایی قسط یکی است. شاخصه خداشناسی این است که من چقدر حقوق و پرستنده حق و مجری حق هستم نماز، روزه و... در جای خود اما

می رود که البته در بعضی جاها متفاوت است اما آنچه سنت است اصل ازدواج است و بقیه، رسوم، آداب و عادات مختلفی است که در سنت نهفته شده است.

این پژوهشگر تاریخ و تمدن اسلامی یادآور شد: در پیشینه ایرانی و یا انسانی اگر بخواهیم سنت پایداری را جستجو کنیم که بنیاد آداب و عادات زندگی در آن وجود داشته که آن مجموعه یک سبک زندگی را در ادوار مختلف پدید می آورد، باید ببینیم آن نگاه بنیادینی که به عالم می شده چه نگاهی بوده است.

دکتر رجبی با اشاره به ریشه‌های تاریخی تمدن بشری بویژه تاریخ تمدن ایران باستان تصریح کرد: در ایران اساساً نگاه الهی وجود داشته است تفکر هر قومی در درجه اول در زبانش جلوه می کند و زبان ایران، زبانی ثنوی بوده است یعنی همانطوری که اعتقاد داشتند شر به اهریمن و خیر به اهورامزدا برمی گردد، هر شیء و هر صفتی را نیز دو گونه می دیدند. مثلاً «دهان» برای موجودات اهورایی و «پوز» برای موجودات اهریمنی بوده است. در اوصاف هم همینطور بیان می شده است. مثلاً سرایش و سرودن سخن نیک و درایش سخن بد منظور بوده است.

وی افزود: در کتیبه‌های داریوش و دیگر آثار بجای مانده از ایران باستان هر چیزی را که می خواستند شروع کنند با نام خدا آغاز می کردند حالا یا واقعاً ایمان داشتند و یا اینکه مردم ایمان داشتند و این فرهنگ ایمانی حاکم بوده که مجبور بودند برای مشروعیت بخشی به خود اینگونه سخن بگویند که همین روال ادامه پیدا می

رئیس کتابخانه مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه دیانت یعنی نوعی زندگی نه صرفاً اعتقاد، تصریح کرد: تلقی ای که ما از دین داشتیم خیلی ناقص بوده و برای همین آنچه درباره غرب و یا خودمان می گوئیم چندان راه به جایی نمی برد. اگر بخواهیم غرب را بشناسیم باید خودمان را ابتدا بشناسیم.

دهمین و آخرین نشست از سلسله نشست های الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت با عنوان میزگرد «مسئله پیشرفت و تمدن اسلامی و مسئله پیشرفت و تمدن غربی» سه‌شنبه ۲۲ اسفند در دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران برگزار شد.

در این نشست محمد رجبی رئیس کتابخانه مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه برای پرداختن به نسبت سبک زندگی امروز با الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت و ارتباط آن با الگوی توسعه در غرب باید ابتدا تعریف درستی از «سنت» داشته باشیم، گفت: متأسفانه سنت در گفتگوهایی که در رسانه های مختلف می شود با آنچه مفهوم اصلی آن در قرآن آمده متفاوت است.

وی افزود: ما معمولاً به عادت جمعی سنت می گوئیم در حالی که این عادات تاریخی دارند و یا به اشتباه به رسوم، سنت می گوئیم و از رسم عمیق تر که آداب است به عنوان سنت یاد می کنیم ولی هیچ کدام از این ها سنت نیست، بلکه سنت امری است که به مبنایی ترین تلقیاتی که یک جامعه و انسان از عالم هستی دارد، بازمی گردد. مثلاً رسم است که مرد به خواستگاری زن

مقدمه

دفتر ایام عمر با شتاب بی امان ورق می خورد و حوادث روزگار، یکی پس از دیگری رخ می نماید و انسان وقتی می خواهد به امری بپردازد، مسئله دیگری از راه می رسد و موضوع را تغییر می دهد و به نحوی، قدرت تصمیم گیری در انتخاب موضوع بحث، از انسان سلب می گردد! دوستان و برادران، یکی پس از دیگری، از دار دنیا می روند و ما ناباورانه شاهد کوچشان می شویم و در سوگشان غمناک؛ ولی چه چاره ای جز تسلیم و رضا می توان تصور نمود؟ به نظر می رسد که یکی از ناگواری های عمر طولانی، علاوه بر مشکلات جسمانی و شخصی، درگذشت دوستان و برادران و آشنایان و خویشان را نظاره گر بودن است.

قرار بود که به مناسبت هفتمین روز درگذشت برادر مجاهد، قاضی حسین احمد، امیر سابق جماعت اسلامی پاکستان و دوست قدیمی و نیم قرن، ذکر خیری به عمل آید که ناگهان چهلمین روز درگذشتش فرا رسید و اینک به همین مناسبت اشاره ای کوتاه به زندگی و مبارزه او به عمل می آید تا حداقل ادای دینی مختصر در بزرگداشت یاد و خاطره مجاهدی شود که عمری در راه جهاد، صلح، وحدت و تقریب مذاهب اسلامی کوشش نمود و به همین سبب به عنوان مدافع صلح، آزادی و تقریب شناخته شد و نامش جاودانه خواهد ماند.

سیدهادی خسروشاهی

تولد و خانواده

قاضی حسین احمد در سال ۱۳۱۸ ش/۱۲ ژوئن ۱۹۳۸م در روستای «کاکا صاحب» از توابع منطقه «زیارت» در شهرستان «نوشهره» نزدیک «پیشاور» به دنیا آمد. پدرش «مولانا قاضی محمد عبدالرب»، یکی از علما و سیاستمداران برجسته شبه قاره هند بود و به عنوان نماینده مسلمانان در ایالت «سرحد» سابق («خیبر پختونخواه» فعلی)، انتخاب شد.

قاضی حسین آخرین فرزند وی بود. تحصیلات ابتدایی و مقدماتی را در زادگاهش فرا گرفت و سپس در دانشگاه علوم اسلامی پیشاور ادامه تحصیل داد و توانست مدرک فوق لیسانس در تاریخ و جغرافیا را به دست آورد و آنگاه در مقام «دانشیار» دانشکده های رسمی به تدریس پرداخت؛ ولی پس از چندی، آن را رها ساخت. او که نخست عضو «جمعیت طلبه پاکستان» شده بود، در سال ۱۹۷۰ به عضویت رسمی جماعت اسلامی درآمد و به سبب توانایی های فوق العاده ای که داشت، ابتدا به عنوان معاون جماعت اسلامی انتخاب گردید و سرانجام در سال ۱۹۸۷ به رهبری حزب برگزیده شد و به عنوان سومین «امیر جماعت اسلامی» به فعالیت خود دامنه گسترده تری داد. قاضی حسین مدتی نیز برای کمک به جماعت اسلامی و امرار معاش، همزمان به بعضی امور بازرگانی پرداخت؛ ولی این امر، او را از اداره امور جماعت اسلامی باز نداشت، تا اینکه در سال ۲۰۰۹ م به علت مشکلات جسمانی از رهبری جماعت کناره گیری کرد و به عنوان عضو شورای مرکزی حزب در زمینه های مختلفی به کار خود در استمرار و تحقق اهداف جماعت ادامه داد.

او مدتی نیز عضویت مجلس شیوخ پاکستان را پذیرفت تا بتواند در تصمیم گیری کلان سیاسی کشور هم نقش جماعت اسلامی را تثبیت نماید و به مدت یک سال عضو مجلس سنای پاکستان بود؛ اما پس از حوادث مسجد لعل پور، در اعتراض به سیاست های دولت وقت - بی نظیر بوتو - استعفا کرد تا باز به طور تمام وقت، در درون جماعت اسلامی باشد؛ زیرا به گفته او سازمان بیش از دو هزار مؤسسه فرهنگی و علمی - از مدارس ابتدایی تا دانشکده - داشت که چهل هزار دانش آموز و دانشجوی در آن ها تحصیل می کردند و رسیدگی به امور آن ها به فردی فعال و تمام وقت نیاز داشت.

البته پس از کناره گیری قاضی حسین از امارت

قاضی حسین احمد؛ منادی جهاد، صلح و تقریب

مزید بر اصل» خواهد شد؛ ولی اشاره به دو نکته در اینجا ضروری است:

۱- در این مسئله و هر مسئله دیگری نسل جوان و تحصیل کرده و روشنفکر تقصیر زیادی ندارد؛ زیرا متأسفانه کتاب ها و رهنمودها و تجربه های انکارناپذیر ارجدارترین و جامع الاطراف ترین مکتب فکری و اجتماعی و ارشادی موجود جهان که اسلام باشد، به زبان فارسی و در ایران یا اصولاً منتشر نشده و در دسترس آنان قرار داده نشده و یا فقط در محیط های خاصی نشر یافته است. (۲) البته این قصور یا تقصیر - یا هر دو - در وهله اول بر ذمه کسانی است که قدرت و توانایی داشته اند که دست به تألیف و ترجمه یا چاپ و نشر همچو رساله ها و آثاری بزنند، اما از ترس زوال مقام موهوم و موقعیت شامخ افسانه ای و از همه بالاتر اعراض و تکفیر گروهی، دست به سیاه و سفید نمی زنند و در نتیجه خلأ فکری موجود در نسل جوان را خواهی نخواهی افکاری پر می کند که نتیجه آن عاید ما و طرز فکر ما نخواهد شد.

۲- این رساله فقط به منظور آگاهی های مقدماتی از کلیات بخشی از مسائل

اقتصاد اسلامی است، وگرنه بسیار روشن است که همه مسائل اقتصادی اسلام را نمی توان در یک رساله کوچک مطرح ساخت، یا تمام اصول و فروع آن را شرح داد و یا با مکتب های اقتصادی دیگر مقایسه نمود و مباحث آنها را مورد تجزیه و تحلیل عمیق و همه جانبه ای قرار داد. خوشبختانه اخیراً کتاب های ارجداری در این زمینه، به عربی منتشر شده که اگر به فارسی ترجمه شوند به خوبی می توانند این مسئله را مورد بررسی قرار دهند و این خلأ موجود را لاقال در این زمینه پر کنند. از جمله این کتاب هاست: «معرکه الاسلام و الرأسمالیه» (جنگ اسلام و سرمایه داری) از استاد سید قطب، (۳) «الاشتراکیه و الاسلام» از استاد دکتر مصطفی سباعی استاد دانشگاه دمشق و مدیر ماهنامه تئوریک «حضاره الاسلام»، «اقتصادنا» استاد علامه آقای سیدمحمدباقر صدر (۴) و «الاقتصاد الاسلامی» (دو جلد) از دوست دانشمند آقای سیدحسن شیرازی و «اسلام والاشتراکیه» از استاد شیخ محمد غزالی مصری و کتاب های دیگری که در مصر، سوریه، عراق چاپ و منتشر شده اند و از این میان آنچه به نظر من مفید تر و جامع تر است، دو کتاب «اقتصادنا» و «الاشتراکیه و الاسلام» است و بسیار به جاست که به فارسی ترجمه و منتشر شوند.

این رساله مولانا مودودی با اینکه عنوانش «معضلات الاقتصاد و حلها فی الاسلام» (مشکلات اقتصادی و حل آن در اسلام) بود، «اسلام و مشکلات اقتصادی» قرار داد. از رساله های او اسلام و جاهلیت، دین و پایدار، سیاست در اسلام، روش زندگی در اسلام، به سوی قانون اسلامی، قادیانی گری، به وسیله دوستان و برادران و این جانب ترجمه شده که بعضی از آنها چاپ شده و بقیه نیز آماده چاپ است... تبریز، محرم الحرام ۱۳۸۲ق»

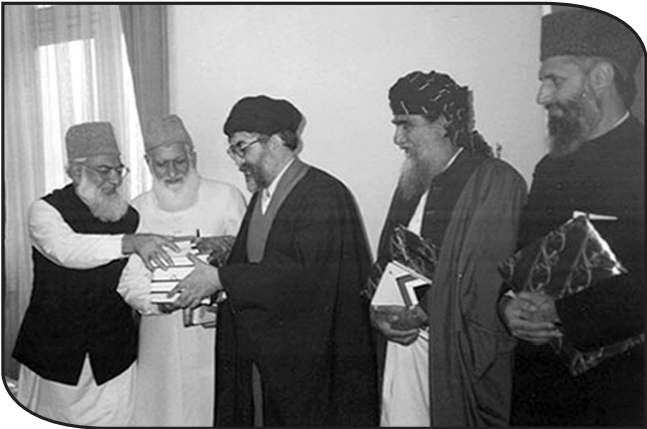
این مقدمه بنده بر ترجمه کتاب استاد مودودی بود که چاپ و نشرش، آثار مثبت زیادی در توسعه روابط با جماعت اسلامی و دیگران داشت.

آشنایی با قاضی حسین

ارتباط اینجانب با جماعت اسلامی، با «تبادل فرهنگی» توسعه یافت و به توصیه و معرفی به عمل آمده از سوی رهبری جماعت اسلامی، کتاب ها و نشریات متعددی از هند، سوریه، عراق و مصر، علاوه بر کتاب های منتشر شده از سوی «دارالعروبیه للدعوه الاسلامیه» - بخش عربی جماعت اسلامی - هم به دستم رسید و من نیز مطبوعات جدید حوزه علمیه قم، از جمله مجله «مکتب اسلام» و نشریات تألیفی یا ترجمه شده فارسی را برایشان می فرستادم.

در اواخر ماه سال ۱۹۷۲م مطابق معمول در اتاق تحریریۀ دفتر مجله «مکتب اسلام» نشستیم بودم که مسئول امور توزیع مجله آمد و گفت: «یک آقای پاکستانی آمده و می

این توضیحات برای دوست من تازگی داشت و مسرت آور بود و اظهار تمایل کرد که رساله های دیگر استاد را هم بخواند. اتفاقاً چند رساله استاد از جمله «نظام الحیاء فی الاسلام»، و «معضلات الاقتصاد وحلها فی الاسلام» را با خود به تبریز آورده بودم تا اگر فرصتی پیش آمد، مطالعه کنم. دوست من آن ها را دید و از آن میان، «معضلات الاقتصاد» را انتخاب کرد و از من خواست که آن را به



قاضی حسین احمد به هنگام اهداء مجموعه کامل تفسیر «تفهیم القرآن» تألیف مولانا مودودی به استاد خسروشاهی، شیخ خلیل حامدی و شیخ عبدالحمید بومنجل (امیر جماعت اسلامی در بلوچستان پاکستان)

فارسی ترجمه کنم تا ایشان چاپ کند. دلیلی که بر این انتخاب آورد، این بود که: نوع مردم و بالخصوص نسل جوان، از اقتصاد اسلامی حتی آگاهی سطحی و مقدماتی هم ندارند! من این امر را با همه مشکلاتی که وجود داشت، به دو علت، پذیرفتم:

اولاً، برای اینکه استاد خلیل الحامدی معتمد دارالعروبیه، یک سال پیش ضمن ارسال آثار استاد مودودی به این جانب طی نامه ای تمایل شدید استاد را به ترجمه آثارش به فارسی، اعلام کرده و از من خواسته بود که به این کار اقدام کنم؛ اما تا آن روز موفق نشده بودم.

ثانیاً، برای اینکه دلیل دوست من در لزوم ترجمه این نشریه به فارسی(عدم آگاهی نسل جوان از مسائل اقتصادی اسلامی) مسئله ای بود که خود من نیز پس از تماس زیاد با نسل جوان، آن را درک کرده و دیده بودم! آری، مردم مسلمان ما و بالخصوص نسل جدید و حتی تحصیل کرده ها که در دانشگاه چگونگی اقتصاد اسکیموها و قیایل دور افتاده ترین نقاط قاره سیاه هم برای آن ها تدریس می شود، علاوه بر اینکه از مسائل اقتصاد اسلامی چیزی نمی دانند، اصولاً از اصل اسلام هم فقط یک سلسله اعمالی را دیده یا شنیده اند که هم اکنون حقیقت و معنویت آنها هم از میان نوع مردم، رخت بر بسته و جز ظواهری خشک و خالی، چیزی از آنها باقی نمانده است.

از دیگر سو، در بازار دیده اند که غش، تقلب، کلاه برداری، رباخواری، سفته بازی (۱) و هزار و یک نوع حقه بازی دیگر، معمول و شایع است. و از طرف دیگر می بینند که به طور کلی در همه کشورهای اسلامی مفاسد ضدانسانی رژیم کاپیتالیسم غربی، در سایه پیروی و تبعیت از اصول سرمایه داری غربی و با استدلال های غلط و سوء استفاده از: «الناس مسلطون علی اموالهم» و اصل «مالکیت فردی» و بدون در نظر داشتن «اشتراکیت در ضروریات اولیه زندگی» و قاعده «لاضرر» و ... به طور روزافزون رو به تزاید است و کسی هم ابراز مخالفت نمی کند و حقیقت را نمی گوید.

از همین جا اصولاً گروهی از آنان گمان کرده اند که اسلام طرفدار سرمایه داری است، یا لاقال در مسائل اقتصادی راه و روش خاصی ندارد و توده های مسلمان باید تابع و پیرو راه و روش استعمارگران و امپریالیست ها باشند؛ چنان که در سایه تسلط سیاسی امپریالیسم غربی بر سرزمین های اسلامی، عملاً چنین شده است. مشاهده این جریانات، دلیل دوم برای تصمیم گرفتن به ترجمه این رساله گردید و خوشبختانه این کار، در عرض یکی دو هفته به پایان رسید.

مسائل دیگری بود که می خواستم در این مقدمه بیاورم؛ ولی دیدم که در این صورت مقدمه ما «فرع

جماعت، انتخابات تعیین رهبری در داخل جماعت، طبق آیین نامه مصوبه شورای جماعت، برگزار گردید و سید منور حسین به عنوان امیر جدید جماعت اسلامی، انتخاب گردید. در واقع قاضی حسین احمد، پس از مولانا سید ابوالاعلی مودودی و شیخ میان طفیل احمد، سومین امیر منتخب جماعت اسلامی پاکستان بود و پس از استعفا نیز، همچنان مشاور عالی سازمان باقی ماند و رهنمودهایش مورد توجه رهبر بعدی قرار می گرفت و در واقع او به مدت ۴۲ سال در شورای مرکزی جماعت اسلامی، انجام وظیفه کرد.

آشنایی با جماعت اسلامی

آشنایی اینجانب با «جماعت اسلامی پاکستان» به بیش از نیم قرن پیش برمی گردد. طلبۀ نوجوان پر جوش و خروشی که به تنهایی می خواست با همه جهان اسلام ارتباط داشته باشد و در این راستا، با سازمان ها و احزاب اسلامی و رهبری حرکت های اسلامی، مکاتبه می کرد که مجموعه پاسخ ها و نامه های واصله، خود گنجینه ای از اسناد تاریخی است. از جمله این سازمان ها، «جماعت اسلامی» بود که مولانا سید ابوالاعلی مودودی در پاکستان تأسیس کرده بود و کتاب ها و رساله های پرشماری

در زمینه مسائل مختلف اجتماعی منتشر می ساخت و البته اغلبشان از تألیفات خود مودودی بود که نخست به زبان اردو منتشر می گردید و سپس در لاهور و دمشق به زبان های دیگر، از جمله عربی و انگلیسی ترجمه می شد و انتشار می یافت. در ایران نیز شاید نخستین اثری که از مودودی ترجمه و در سال ۱۳۴۰ در تهران چاپ و منتشر شد، رساله «برنامه انقلاب اسلامی» و سپس کتاب «مبادی اسلام» بود که هر دو را مرحوم استاد سید غلامرضا سعیدی ترجمه کرد.

اینجانب در ایام تابستان، به علت تعطیلی حوزه و گرمای طاقت فرسای قم و فقدان وسائل سرمایشی (حتی پنکه) به تبریز می رفتم که توفیق اجباری «صله ارحام» هم نصیب می شد و البته علاوه بر کتب درسی، کتاب ها و رساله های جدید از انتشارات عربی واصله از بلاد اسلامی را هم با خود همراه می بردم تا اگر فرصتی شد، به مطالعه ای ترجمه آن ها بپردازم. در ماه رمضان ۱۳۸۱ق، زودتر از موعد تعطیلی تابستان، به تبریز رفتم تا در کنار خانواده بتوانم روزه بگیرم. در آن ایام، دوستان و آشنایان، به ویژه جوانان دانشجو، مانند مرحوم محمد حنیف نژاد، دکتر قهرمانی، شهید دکتر معیری، دکتر میلانی و... به دیدارم می آمدند و بنده نیز مشتاقانه از آنان استقبال می کردم. در همین اوقات بود که به ترجمه یکی از رساله های مولانا مودودی پرداختم که ماجرا و چگونگی اش را در مقدمه آن رساله آورده ام که چنین است:

«دوست عزیزی برای تجدید دیدار، به منزل ما آمد. در ضمن صحبت از نشریات اسلام جدید، از رساله «برنامه انقلاب اسلامی» نوشته استاد سید ابوالاعلی مودودی که اخیراً در تهران چاپ شده است، خیلی تعریف و تمجید کرد؛ ولی از نویسنده و آثار دیگرش اطلاعاتی نداشت. من اجمالاً توضیح دادم: استاد مودودی یکی از متفکران و دانشمندان بنام جهان اسلام است و مقالات و آثار فکری و قلمی اش در همه مطبوعات اسلامی جهان، منتشر شده و می شود و از سوی دیگر ایشان رهبر «جماعت اسلامی» است که از سازمان های اسلامی فعال پاکستان می باشد. استاد مودودی کتاب ها و رساله های زیادی درباره مسائل روز، به انگلیسی یا به اردو نوشته که در پاکستان منتشر شده و سپس از طرف «دارالعروبیه للدعوه الاسلامیه» که شعبه ای از «جماعه اسلامی» است، به عربی ترجمه گشته و از لاهور منتشر شده است.

آشنایی جوانان کشورهای اسلامی و عربی با آثار او سبب شد که نوشته ها و رساله هایش در قاهره از طرف «لجنه الشیاب المسلم» (کمیتۀ جوانان مسلمان) تجدید چاپ شود و سپس این آثار در دمشق تحت عنوان «ذخائر الفكر الاسلامی» از طرف «مؤسسه النشر الاسلامی» و همچنین در بغداد از طرف «مکتبه النهضه» چاپ و پخش گردد...

کلیدی ایفا کرد و در مبارزات مسلحانه گروه های اسلامی در افغانستان، به یاری همه آنان شتافت و البته برخی او را متهم ساختند که او گروه گلبدین حکمتیار را کمک می کند؛ ولی قاضی حسین می گفت: «برای ما جهاد بر ضد دشمن اشغالگر اصل بود و در این راه به همه برادران، به ویژه اخزایی چون حزب اسلامی، جمعیت اسلامی و اتحاد اسلامی کمک و یاری می رساندیم و سپس برای جلوگیری از جنگ داخلی بین مجاهدان تلاش بی وقفه ای انجام دادیم.» او در این مورد در بحرانی ترین شرایط، علی رغم همه خطرات چندین بار به ایالات مختلف افغانستان سفر کرد و برای آشتی برادران جهادی، اقدام نمود.

قاضی حسین به علت نزدیکی با جمهوری اسلامی ایران و با همکاری با حکومت ژنرال ضیاء الحق به خیانت متهم گردید و گروه افراطی طالبان پاکستان همواره او را شخصی غیرمطلوب نامیدند که می بایست از بین برده می شد و یک بار هم برای ترورش اقدام کردند که ناموفق بود؛ ولی «حکیم الله محسود»، از فرماندهان طالبان پاکستان همچنان به شدت از او انتقاد می کرد.

شاید یکی از علل اصلی مخالفت گروه های تندرو پاکستان با وی، علاوه بر نزدیکی مواضع او به دیدگاه های نظام اسلامی ایران، مخالفت جدی وی با تعصبات قومی و مذهبی بود. او در واقع دشمن سرسخت خشونت های مذهبی و ایجاد فتنه بین شیعه و سنی بود و از اختلاف افکنان بین پیروان مذاهب اسلامی سخت انتقاد می کرد.

بدین ترتیب قاضی حسین چه در دوران رهبری، و چه در دوران پس از استعفا، همچنان و همواره در استمرار راه مبارزه منطقی سیدابوالاعلی مودودی فردی کوشا و فعال بود و در واقع، به عنوان نماینده اسلام معتدل، نه تنها در پاکستان، بلکه در کشورهای همجوار نیز تأثیرگذار بود و در سطح فراملی، به عنوان نماینده مردم پاکستان پیششاز حمایت از حرکت های اسلامی و مبارزات مسلحانه برضد اشغالگران در هند و افغانستان و فلسطین شناخته می شد. برای ارزیابی جایگاه واقعی او در جهان اسلام و فعالیت ریشه دارش در سطح بین الملل می توان به طور کلی گفت که قاضی حسین مسلمانی فراچنانی بود که در چهارچوب یک تشکل سیاسی، مذهبی، به اقدامات دامنه دار و ثمربخشی در طول چهل سال فعالیت و تلاش خود دست زد. شاید بتوان گفت تبیین روش و منش او، در زندگی سیاسی و اجتماعی، نیازمند تألیف کتاب مبسوطی است؛ اما در این مختصر، می توان خلاصه ای از یک تحلیل مفید و ارزشمند را در سطوری چند برای تکمیل این بحث، نقل کرد. این تحلیل کوتاه به برخی از وجوه و ابعاد شخصیتی و عملکرد او اشاره دارد که امیدواریم مورد توجه علاقه مندان قرار گیرد و تفصیل بیشتر را به کتاب «تاریخ و عملکرد جماعت اسلامی» موکول نمود.

شخصیت، جایگاه، اهداف و اقدامات

قاضی حسین احمد که فعالیتش را از یک تشکل سیاسی - مذهبی ریشه دار و بین المللی اسلامی آغاز کرد و تا چند دهه ادامه داد، به درستی در سال های پایانی عمر خود، دغدغه اصلی اش یکپارچگی و همگرایی مسلمانان بود. در واقع او تمامی مساعی خویش را صرف وحدت امت اسلامی نمود و با تندروی، افراطی گری و تحجر که عامل اصلی انشقاق مسلمین است، مخالف بود. وی علاوه بر آرا و نظریات سیاسی منطقه ای، ایده های سیاسی و روابط بین المللی سازنده ای نیز داشت. همواره به حمایت از آرمان فلسطین تأکید می کرد و نسبت به اهداف مخرب آمریکا در منطقه نگران بود؛ لذا در یکی از مواضع خود تصریح می کند: «پیش از آنکه آمریکا کشورهای پاکستان، چین و ایران را قربانی منافع اقتصادی و سیاسی خود سازد، باید این کشورها به صورت یک بلوک قدرت منطقه ای در مقابل سیاست های آمریکا، ایستادگی کنند.» به باور او، آمریکا در افغانستان نیز اهداف شوم اقتصادی، نظامی و سیاسی را پیگیری می کند؛ لذا حاضر نخواهد شد افغانستان را رها کند.

ادامه در صفحه ۸

قم رقتم. نامه ای از مدیر دایره عربی جماعت، به ایشان داشتیم که آن را ایصال کردم و بعد از ایشان خواستم یک میهمان خانه ارزان قیمت معرفی کنند و ایشان در دفتر مجله مکتب اسلام مشغول بود، گفت اجازه بدهید کارم تمام شود تا میهمان خانه ارزانی را به شما نشان دهم و پس از صرف چای، همراهشان سوار درشکه شدیم و ایشان مرا به منزل خودشان برد و گفت: میهمان خانه ارزان و طلبه ای ورود شما را خیر مقدم می گوید! همین صفا و صمیمیت، مرا جذب کرد و مرید ایشان شدم.» و سپس به شوخی گفت: «من از همان تاریخ با ایشان بیعت کرده ام!» البته این بیانات در حضور آیت الله جنتی و آیت الله تسخیری، نشان دهنده صدق و صفا و صمیمیت خود قاضی حسین بود.

نکته عجیبی که در حاشیه این اجلاس اتفاق افتاد و من هنوز آن را فراموش نکرده ام و برایم قابل توجیه هم نیست - و به اصطلاح تفهیم اتهام هم نشده است - این بود که قرار بود هیأت ایرانی در جلسه ای خصوصی، مواضع قابل طرح ایران را بررسی و ارزیابی و سپس در جلسه عمومی و رسمی اجلاس مطرح سازد و ناگهان ما مطلع شدیم که این جلسه خصوصی با حضور آیت الله جنتی و آیت الله تسخیری و برادر ارجمند آقای میرمحمد موسوی - سفیر ایران در پاکستان - تشکیل شده و بنده و برادران دیگری که از طرف وزارت امور خارجه به اسلام آباد آمده بودند و می توانستند دیدگاه ها را مطرح سازند، دعوت نکرده بودند! برای من که یک ضلع اصلی از سه ضلع نخستین این اجلاس بودم، این روش قانع کننده نبود، البته سخنی به میان نیاوردم و ظاهراً این عدم توجه، ناشی از عدم اطلاع از اصل ماجرا و نقش حقیر در انعقاد آن اجلاس بود.

ماجرای سلمان رشدی

در ماجرای سلمان رشدی، پس از فتوای تاریخی امام خمینی(ره)، مسئولان وزارت ارشاد تصمیم گرفتند که گروه هایی برای روشننگری به بعضی از بلاد بروند. اینجانب هم به عنوان رئیس هیأت ایرانی، برای سفر به پاکستان انتخاب شده بودم و اعضای هیأت عبارت بودند از آیت الله جلالی خمینی (حفظه الله) و مولانا اسحاق مدنی (حفظه الله) و یکی دو نفر دیگر از دوستان وزارت ارشاد. رهسپار پاکستان شدیم و در اسلام آباد و کراچی و لاهور همراه برادران مسئول در سفارتخانه و نمایندگی فرهنگی به دیدار علما و بزرگان شیعه و سنی رفتیم و جلسات مشترکی تشکیل شد، سخنرانی های پرارزشی ایراد گردید، ولی «خانم بی نظیر بوتو» که نخست وزیر بود، به بهانه های اداری و برنامه های قبلی آماده ملاقات نشد؛ اما هیأت ایرانی با مسئولان امور مذهبی دولت و علمای برجسته پاکستان ملاقات کرد و برنامه های عمومی مشترکی اجرا کردند که انعکاس وسیعی در رسانه های ملی - دولتی پاکستان داشت.

تلاش و کوشش پرخروش برادر عزیزمان «صادق گنجی» - وابسته فرهنگی ایران در پاکستان، لاهور - در پربار شدن دیدارها، با توجه به شناخت دقیق و روابط گسترده با محافظ مذهبی و سیاسی، در موفقیت این دیدار نقش تأثیرگذاری داشت. یکی از این برنامه ها دیدار از «المنصوره» مرکز ثقل جماعت اسلامی و استاد قاضی حسین احمد و بقیه اعضای کمیته مرکزی جماعت اسلامی بود. قاضی حسین، در مسئله سلمان رشدی همراه و همفکر ما بود و اقدامات وسیعی در این زمینه، توسط رسانه ها و شعبه های جماعت در سراسر پاکستان انجام داد و از حضور گروه ایرانی به گرمی استقبال نمود. صادق گنجی، جوان پرشوری که در اوج شکوفایی بود و آینده درخشانی برای جنبه فرهنگی گسترده او انتظار می رفت، در جلسه خداحافظی برگشت به ایران، در جلو درب ورودی هتلی که برای تقدیر از او، مجلسی برپا داشته بودند، به دست گروه جنایتکار سلفی «جنگوی» به شهادت رسید.

در راه ایجاد وحدت

قاضی حسین در دوران حکومت داوودخان در افغانستان، گروه بسیاری از اعضای سازمان های اسلامی و جوانان مسلمان افغانستان را که به پاکستان فرار کرده بودند، مورد حمایت قرار داد و در اداره امور آنان، نقش

آتش جنگ تجاوزکارانه عراق بر ضد ایران، کنفرانسی در سطح رهبران حرکت های اسلامی همه بلاد اسلامی، بدون دخالت دولت ها تشکیل گردد و در حل پایان دادن به جنگ و ریخته شدن خون مردم مسلمان از سوی نمایندگان ملت ها مطرح گردد. نظر آنها این بود که کنفرانس در «ژنو» تشکیل گردد؛ اما بنده پیشنهاد کردم که بهتر است در یک کشور اسلامی منعقد شود تا از نفوذ احتمالی غربی ها، دور باشد و از سوی دیگر، اخذ ویزا هم برای همگان آسان باشد.

مدتی گذشت و «برادران» تاریخ و محل اجلاس را که «اسلام آباد» پاکستان بود، اطلاع دادند و این جانب که پیشنهاد کرده بودم آیت الله جنتی و آیت الله تسخیری هم



نامه خلیل حامدی به سال ۱۹۷۲ میلادی - چهل سال قبل

حتماً در آن اجلاس حضور یابند، همراه آن دو بزرگوار در اجلاس حضور یافتیم. در آن اجلاس اکثریت قریب به اتفاق رهبران حرکت های اسلامی حضور یافته بودند که از جمله آنان افراد زیر بود: مرحوم نجم الدین اربکان (رئیس حزب رفاه)، شیخ عمر عبدالرحمن (مفتی جهادیون مصر)، شیخ حامد ابوالنصر (مرشد اخوان المسلمین)، عدنان سعدالدین (از رهبری اخوان سوریه)، شیخ سعید شعبان (حرکت اسلامی توحید لبنان)، برهان الدین ربانی (رئیس جمعیت اسلامی افغانستان) به همراه تقریباً همه رهبران جهادی افغان، و دهها شخصیت برجسته دیگر از همه بلاد ...

نتیجه نهایی این کنفرانس آن بود که برای اولین بار، برادران اسلامی رسماً در قطعنامه پایانی، اعلام داشتند که آغازگر جنگ، عراق بوده و باید خسارت های وارده بر ایران را پس از توقف فوری تجاوز جبران شود. آنچه در این اجلاس قابل توجه بود، نقش اساسی مرحوم قاضی حسین احمد، در جمع کلمه رهبران حرکت ها و ایجاد عملی وحدت بین مسلمین، بود. گردآوری همه رهبران حرکت های اسلامی، از سراسر جهان، امر آسانی نبود. گرچه طراح اصلی برگزاری اجلاس، برادران مصری با همکاری برادران ایرانی بودند، ولی کارگردان صحنه، مرحوم قاضی حسین بود و البته برای حفظ احترام، ژنرال ضیاء الحق - رئیس جمهوری وقت پاکستان - هم در جلسه حضور یافت و با همه علما و رهبران اسلامی، ملاقات نمود؛ ولی همین دیدارها هم توسط مرحوم قاضی حسین برنامه ریزی شده بود تا از بروز هرگونه مشکلی از سوی دولت متمایل به غرب، جلوگیری کند.

بی تردید قاضی حسین با مدیریت ویژه خود و به عنوان نماینده جماعت اسلامی پاکستان، در موفقیت این اجلاس نقش ارزنده ای به عهده داشت و در واقع خیلی تأثیرگذار بود و بی شک پاداش او عبدالله محفوظ است.

نکته جالبی که در حاشیه این اجلاس اتفاق افتاد، این بود که هیأت ایرانی به ریاست آیت الله جنتی وقتی وارد اسلام آباد شد، استقبال کننده اصلی، مرحوم قاضی حسین بود. ایشان در میان اعضای هیأت نخست به سراغ من آمد و معانقه و مصافحه انجام شد که من گفتم: «رئیس هیأت، آیت الله جنتی هستند» و او با احترام به سراغ ایشان رفت. آیت الله جنتی از نامبرده پرسید: «شما از کی با آقای خسروشاهی آشنا هستید؟» گفت: «حدود بیست سال قبل از طرف جماعت اسلامی به ایران آمدم و برای آشنایی با حوزه علمیه قم و کتابخانه ها و منشورات آن، به

خواهد شما را ببیند.» گفتم: «تشریف بیاورد» و این برادر پاکستانی وارد شد و ما با احترام تعارف کردیم و نشست و خود را «قاضی حسین» معرفی نمود و گفت: حامل سلام مولانا مودودی و نامه شیخ خلیل حامدی و چند کتاب عربی و انگلیسی برای حقیر است. تا او چای خود را بخورد، من نامه را خواندم که ترجمه فارسی اش چنین است:

«... برادر ارجمند... السلام علیکم ورحمة الله و برکاته. امید که در صحت و سلامت باشید. آورنده این نامه، آقای قاضی حسین احمد یکی از افراد برجسته جماعت اسلامی است. او به قصد بازدید از بلاد اسلامی و بررسی اوضاع حرکت های اسلامی و ارتباط با اسلام گرایان و رجال دعوت و ارشاد، از پاکستان بیرون آمده است و امید است که از طرف شما تشویق و رهنمودها را دریافت کند. مناسب است اشاره کنم که آقای قاضی به نشر کتاب های اسلامی به زبان فارسی در افغانستان توسط جوانان دعوت در آن سامان، اهتمام دارد. حضرت استاد ابوالاعلی مودودی و همه برادران بر شما سلام می فرستند...مخلص، خلیل احمد الحامدی»

پس از پایان معارفه و گرفتن کتاب ها و تشکر از حضور وی در ایران و حوزه علمیه قم، قاضی حسین گفت: «برادر، یک میهمان خانه ارزان به من معرفی کنید تا دو روزی که می خواهم در قم بمانم، در آنجا اقامت کنم.» با خنده گفتم: «الان در خدمت شما می رویم و آن میهمان خانه ارزان را نشانتان می دهم؛ چون خودتان نمی توانید پیدا کنید.» بعد او را به خانه طلبگی خود بردم و علی رغم اصرار او که به مسافر خانه برود، نگذاشتم و دو روز اقامتش را در منزل حقیر به سر برد و البته خود به تنهایی به زیارت حرم حضرت معصومه(ع) و بازدید از مساجد و کتابخانه ها می رفت؛ اما در

بازدید از بعضی علما و مراجع، من همراه ایشان بودم که او به معرفی جماعت اسلامی و فعالیت های فرهنگی آن می پرداخت و از اینکه مجال این دید و بازدیدها برایش فراهم شده - و به قول او آن هم خیلی ارزان - سپاسگزار بود. پس از مراجعت قاضی حسین، روابط ما با جماعت اسلامی بیشتر شد که مکاتبات حقیر با مولانا مودودی و خلیل احمد حامدی و محمد عاصم حداد و دکتر خورشید احمد، از اعضای کادر رهبری چگونگی این روابط را روشن می سازد که انشاء الله در یادداشت های مربوط به «جماعت اسلامی پاکستان» آنها را خواهم آورد و یکی دو نمونه از آنها را در مقدمه کتاب «فلسفه نهضت حسینی» که شامل ترجمه بحث سید ابوالاعلی مودودی درباره فلسفه شهادت امام حسین علیه السلام است و اخیراً منتشر شده است، آورده ام. (۵)

در مورد توسعه روابط فرهنگی بین حوزه علمیه قم و جماعت اسلامی اشاره به این نکته بی مناسبت نیست که همین علائق برادرانه و صمیمانه موجب شد بعضی از کتاب های مولانا مودودی، توسط شخصیت هایی چون: آیت الله ابراهیم امینی، آیت الله محمدعلی گرامی و استاد سید غلامرضا سعیدی و دیگر دوستان در قم ترجمه و منتشر گردد. این روابط پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران همچنان ادامه یافت و در نخستین مراحل پیروزی، مولانا مودودی پیام تبریکی به امام خمینی(ره) فرستاد و امام نیز پاسخ دادند که متن آن «در صحیفه امام» آمده است (۶) و سپس هیأتی به سرپرستی دکتر خورشید احمد، از طرف جماعت اسلامی به ایران آمد که در قم به خدمت حضرت امام رسیدند.

نقش قاضی حسین در کنفرانس وحدت المسلمین در اسلام آباد

در سال ۱۳۶۶ به هنگام اقامت در ایتالیا (واتیکان)، برادر اخوانی قدیمی دکتر ابراهیم صلاح از برن سوئیس تلفن کرد که فرزند ارشد مرحوم عبدالوهاب عزام، شخصیت معروف مصری و عضو مؤسس دارالتقربیه قاهره، مقیم لندن و دبیر «المجلس الاسلامی» (Islamic Council) از شما دعوت کرده که سفری به لندن داشته باشید تا درباره امر مهمی به مشورت بپردازد.

طبق قرار با دکتر صلاح یک هفته بعد، به لندن رفتم و در دیدار و مذاکره مشروحی با سالم عزام، در منزل وی در منطقه (Grosvenor Crescent) و با حضور دکتر ابراهیم صلاح، تصمیم گرفته شد که برای متوقف ساختن

بیانیه ائمه جمعه تسنن و تشیع کردستان درمحکومیت کشتار شیعیان پاکستان

ائمه جمعه سنی و شیعه و اعضای ستادهای احیای امر به معروف و نهی از منکر کردستان در بیانیه‌ای کشتار شیعیان پاکستان را محکوم و تاکید کرده‌اند که کشتار مسلمان، چه شیعه و چه سنی محکوم است.

در ادامه این بیانیه آمده است: دشمنان قسم‌خورده اسلام که هر از گاهی دشمنی خود را در قالبی به نمایش می‌گذارند این بار نیز با کشتار شیعیان پاکستان، پرده از اوج دشمنی خود با اسلام برداشتند.

این بیانیه می‌افزاید: تفرقه و اختلاف میان مسلمانان و فروپاشی درونی در بدنه کشورهای اسلامی نشأت گرفته از اقدامات منافقانهای است که به دست تروریست‌های متحجر وهابی و سلفی و با برنامه‌ریزی مستقیم آمریکا، رژیم غاصب صهیونیستی و استعمار پیر صورت می‌گیرد. در ادامه این بیانیه آمده است: این حادثه اندوه‌بار

دل هر انسان آزاده و حق‌طلبی را به درد می‌آورد و ما به عنوان مسلمان به وعده الهی مبنی بر تحقق حکومت جهانی اسلام امیدوار هستیم. این بیانیه حاکی است: با تبعیت از دستورات خداوند متعال و رسول گرامی اسلام(ص) و حرکت در مسیر اسلام ناب با اطاعت از فرامین ولی‌امر مسلمین جهان حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مدظله‌العالی وحدت و یکدلی را به عنوان بزرگ‌ترین معروف و تفرقه و دو دستگی را به عنوان بزرگ‌ترین منکر دانسته و به همه کسانی که با حرکت نابخردانه در مسیر اجرای خواسته‌های دشمنان اسلام حرکت می‌کنند، هشدار می‌دهیم که دست‌از جنایت و مسلمان کشی برداشته و در صفوف بهم پیوسته مسلمانان شیعه و سنی برای اعتلای پرچم توحید قرار گرفته و پیش از این برای خوش خدمتی به بیگانگان ضددین تلاش نکنند در غیر این‌صورت با قهر امت اسلامی روبرو خواهند شد.

ادامه از صفحه ۷

او در موضوع رفتارهای اعتقادی و سیاسی مسلمانان بر نکات و محورهای حساس و تعیین کننده تاکید می‌کرد. به باور وی «مسلمانان به جای اینکه روحیه شهادت طلبی را علیه یکدیگر استفاده کنند، باید علیه دشمنان استفاده کنند.» از این منظر، او اصرار داشت که «تبلیغ مذهب و فرقه بر هیچ مسلمانی جایز نیست، بلکه تبلیغ بندگی خداوند و توحید لازم و واجب است» و می‌گفت: «مشترکات ما بسیار بیشتر از تفاوت هاست و دشمن نیز منتظر است تا از کوچکترین اختلاف برای ضربه زدن به مسلمانان بهره گیرد». در واقع او به شدت از گروه های تندرو و تکفیری انتقاد می کرد و روش آنان را مخالف مبانی اسلامی می دانست.

با اعلام رسمی این مواضع روشنگرانه بود که قاضی حسین احمد، در آخر آبان ۱۳۹۱، در مناطق شمال غربی پاکستان مورد حمله انتحاری قرار گرفت، اما جان سالم به در برد. از منظر سیاسی، این گونه ترورها غالباً با اهداف چند جانبه انجام می شود و در آن عمدتاً افرادی مورد حمله قرار می گیرند که در بسیج مردمی و ایجاد جریان های عمومی نقش مؤثری دارند.

ماهیت فراگیر عملکرد قاضی حسین در تاکید و ترویج ارزش ها و اصول مشترک اسلامی، وی را به به یک شخصیت مذهبی و سیاسی فراگروهی و فراملی تبدیل کرد؛ از این رو او به عنوان یک فرد بانفوذ و مقبول خواص و عوام در اغلب کشورهای اسلامی شناخته می شد. او به عنوان یکی از صاحب نظران برجسته اسلامی علاوه بر عضویت در مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی، درباره پدیده های اسلام سیاسی معاصر یعنی «بیداری اسلامی»، آرا و نظرات قابل تأملی ارائه کرده است. از نظر وی «بیداری اسلامی»، استمرار داشته و نتایج مطلوبی در این راستا به دست خواهد آمد؛ لذا می

آیت‌الله اراکی در دیدار با سفیر فلسطین در تهران تاکید کرد: اگر کشورهای اسلامی متحد شوند، رژیم صهیونیستی از بین می‌رود و امت اسلام کرامت و شکوفایی پیشین خود را بازمی‌یابد.

به گزارش خبرگزاری تقریب(تنا)، «آیت‌الله محسن اراکی» دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در دیدار با «صلاح الزواوی» سفیر فلسطین در تهران با بیان این‌که رژیم صهیونیستی تنها طرح ایجاد یک‌دولت یهودی نبوده بلکه طرح کشورهای استعماری در میان امت اسلامی است، تصریح کرد: استعمار برای بقا و توسعه طرح‌های استعماری خود، رژیم صهیونیستی را در قلب امت اسلامی ایجاد کرد تا هویت امت اسلام را از آنها بگیرد.

دبیرکل مجمع جهانی تقریب با اشاره به این که انقلاب اسلامی در ایران بر خلاف رژیم صهیونیستی به منظور شکوفایی و بازگرداندن کرامت به امت اسلامی ایجاد شد، تاکید کرد: انقلاب اسلامی هرگز با رژیم صهیونیستی ارتباط برقرار نخواهد کرد.

در ادامه افزود: با همه ایرادهایی که بر دو امپراطوری

روحانیون و علمای اهل سنت خراسان شمالی در بیانیه ای کشتار بی رحمانه، شیعیان مظلوم و بی گناه پاکستان را به شدت محکوم کردند.

در این بیانیه آمده است: بار دیگر کوردلان افراطی و جیره خوران استکبار جهانی بااقدام ددمنشانه،قلوب تمامی مسلمانان جهان به خصوص جامعه اهل سنت راه جریحه دار ساختند و جنایتی دیگر راه، در تاریخ به ثبت رساندند. این بیانیه آورده است: هیچ دین وآیینی قتل انسان های بی گناه را جایز نمی داند و ریخته شدن خون انسان های بیگناه از نظر قرآن و اسلام حرام است و آدم کشی یکی از بزرگ ترین جنایات و گناهان خطرناک است که الله تعالی در قرآن به آن اشاره نموده است و افرادی که دست به چنین جنایات و عمل غیر انسانی می زنند مسلمان نیستند بلکه جیره خوار کفار و صهیونیستهای تروریست هستند. این بیانیه می افزاید: امروز استکبار جهانی و رژیم

توان آن را یک فرایند تدریجی و پرثمر تلقی کرد.

در مورد ساختار سازی و نظام سازی برآمده از «بیداری اسلامی»، نیز ایده های او می تواند راهگشا باشد. وی با رد اندیشه های سکولار، ایجاد حکومت اسلامی را «سنت پیامبر اکرم (ص)» می دانست و موفقیت مسلمانان را مستلزم پیمودن راه آن حضرت در ایجاد نظام حکومتی می دانست. و در همین جهت، در کنفرانس بزرگ بیداری اسلامی در ایران شرکت نمود و سخنرانی کرد و به عضویت مجمع بیداری اسلامی درآمد و در برخی اظهارات خود، بیداری امت اسلامی را تنها راه حل مشکلات جهان اسلام نامید و معتقد بود بیداری اسلامی امروز اشتراکات فرقه های گوناگون اسلامی را به هم نزدیک کرده که این خود فرصتی تاریخی برای حل مشکلات میان مسلمانان است.

قاضی حسین به منظور تثبیت و نهادینه کردن دستاوردهای بیداری اسلامی، بر نهادسازی مردمی اهتمام وافری داشت. در این راستا پیشنهاد کرد: «یک شورای راهبردی مستقل بدون تکیه بر دولت ها ایجاد شود.» و پس از تاسیس دبیرخانه دائمی بیداری اسلامی در تهران، به عضویت آن درآمد و به عنوان عضو اصلی و برجسته شورای مرکزی مجمع جهانی بیداری اسلامی محسوب گردید.

وی به منظور تحکیم و عینیت بخشیدن به آرای برجسته خود، آن ها را در قالب نهادها و تشکل های مردمی و فراگیر سازماندهی نمود و در این مسیر، در پاکستان تشکیلاتی را پی ریخت که بر اساسش مذاهب اسلامی در آن گردهم می آیند و نظرات خود را بیان می کنند؛ زیرا وی این امر را برای ایجاد وحدت حداکثری میان مسلمانان و پرهیز از تفرقه و فرقه گرایی مهم می دانست. برای تحقق این مهم طی سال ها تلاش و مجاهدت در سال ۲۰۰۲م نسبت به تشکیل

آیت‌الله اراکی در دیدار با سفیر فلسطین:

کرامت امت اسلامی در گرو اتحاد است

وعده الهی تفرقه امت اسلام و اختلاف‌هایی که بین آنها وجود دارد، تصریح کرد: اگر کشورهای اسلامی متحد شوند، رژیم صهیونیستی از بین می‌رود و امت اسلام کرامت و شکوفایی پیشین خود را باز می‌یابد.

دبیرکل مجمع جهانی تقریب با بیان این که به همین دلیل ما باید دشمنی را که می‌خواهد امت اسلام را از ریشه‌های خود جدا کند بشناسیم این سؤال را مطرح کرد که اگر او را شناختیم آیا باید دست روی دست بگذاریم و یا عزم‌های خود را جزم کنیم و به رویارویی با این دشمن و مقابله با وی بپردازیم.

وی در ادامه تصریح کرد: تاریخ از وجود ارتباطی محکم میان اعراب و ایرانی‌ها خبر می‌دهد و زبان فارسی همچنان مملو از کلمات عربی است همانطور که زانشناسان فارسی نقش مهمی در بقا و تقویت زبان عربی داشته‌اند، اما استعمار در دوران حکومت پهلوی تلاش کرد زبان عربی را از فارسی جدا کرده پایه‌های دشمنی را میان فارس‌ها و عرب‌ها بنا کند و همواره در پی ایجاد اختلاف میان اعراب و ایرانی‌ها است.

علمای اهل سنت خراسان شمالی کشتار شیعیان پاکستان را محکوم کردند

استکبار جهانی، انگلیس و رژیم صهیونیستی غاصب و جیره خورانش، اینگونه اقدامات نابخردانه و تروریستی را به شدت محکوم کنند و انزجار و تنفر خودشان با فریاد های مرگ برآمریکا، مرگ برانگلیس و مرگ بر صهیونیسم به گوش جهانیان برسانند.

این بیانیه در ادامه افزوده است: ما علما و روحانیون اهل سنت خراسان شمالی ضمن ابراز همدری و عرض تسلیت به خانواده های شهدای عزیز وگرانقدرپاکستان این جنایات ضد بشری و ناجوانمردانه را به شدت محکوم می کنیم و تنها پاسخ دندان شکن در برابر اینگونه اقدامات بزدلانه راه، صیانت و گسترش وحدت و اتحاد مسلمین و جوامع اسلامی می دانیم و خواستار تقریب و یکپارچگی بیش از پیش همه مسلمانان جهان، در برابردشمنان قرآن و اسلام هستیم.

روحانیون و علمای اهل سنت خراسان شمالی

می کنند که حکم خدا را می توان با مستخره بازی عوض کرد و سر خدا هم کلاه گذاشت!
۲ _ درباره مسائل اقتصادی آنچه اکنون به خاطر دارم، در آن دوران فقط چند کتاب و رساله به نام های: اسلام و مالکیت، اسلام و سوسیالیسم، روحانیت و اسلام (دو جلد) سیستم اقتصادی اسلام، اسلام و اقتصاد، حکومت حق و عدالت (بخشی از کتاب) در ایران منتشر شده بود.
۳ _ راجع به استاد قطب و تألیفات وی، در مقدمه ترجمه جلد اول کتاب «العدالة الاجتماعية فی الاسلام» که به نام «عدالت اجتماعی در اسلام» از طرف ما اخیراً در قم منتشر شده است، مفصلاً بحث کرده ایم، رجوع شود.
۴ _استاد صدر از معاریف دانشمندان اسلامی معاصر در نجف اشرف است و کتاب ایشان که در دو جلد است، جزو مجموعه تألیفات معظم له درباره مسائل مورد نیاز روز است و از این مجموعه که در صدها صفحه بزرگ چاپ شده اند، تاکنون «فلسفتنا» و جلد اول «اقتصادنا» به چاپ رسیده و مامیدواریم که کتابهای «مجتعنا» و «حکومتنا» و «سیاستنا» نیز هر چه زودتر چاپ و منتشر شوند.
۵_ کتاب «فلسفه نهضت حسینی» شامل بحث های مولانا مودودی، سیدقطب، مولانا ابوالکلام آزاد و اقبال لاهوری و درباره شهادت امام حسین علیه السلام است که توسط اینجانب ترجمه شده و اخیراً از چاپ درآمده و منتشر شده است.
عَـمَـتَـن پاسخ امام خمینی چنین است: «بسمه تعالی / جناب آقای ابوالاعلی مودودی وفقه الله تعالی. تلگراف و نامه شما واصل گردید. از تقدّی که از اینجانب نموده اید، متشکرم. از خدای تعالی عظمت اسلام و مسلمین را خواستارم. روح‌الله الموسوی التخمینی. ۱۳۹۹/۲۶/۶ ق/۱۴ اسفند ۱۳۵۷»
۷_ نشریه «بعثت» چاپ قم شماره ۲۰ سال سی و سوم مورخ دی ماه ۱۳۹۱. به نقل از «فارس»

مجلس «وحدت متحده عمل» متشکل از احزاب مذهبی مختلف شیعی و سنی اهتمام وزرید و در آخرین سال عمرش، بیش از ۳۰ حزب و گروه مذهبی میانه رو پاکستان را در دوم خرداد ۱۳۹۱ در جلسه ای که در اسلام آباد میان علمای شیعه و سنی برگزار شد، گرد هم آورد و آن ها موافقت خود را برای ایجاد «شورای همبستگی ملی» اعلام کردند و قاضی حسین احمد را به عنوان رئیس این شورا، انتخاب کردند.

شورای همبستگی ملی با اساسنامه ۲۲ بندی کار خود را شروع کرد، که «برقراری نظام اسلامی در کشور» نیز از اهداف ذکر شده در این اساسنامه می باشد. اهداف این شورا پایان دادن به خشونت های فرقه ای و کاهش دشمنی و عداوت در میان اجتماعات گوناگون در این کشور عنوان شده است...» (۷)

بی‌تردید فقدان وی، نتایج غیرمطلوبی بر جریان پیشرفت این هدف و اندیشه خواهد داشت و رکودی در عرضه الگوی رفتاری منطقی و معتدل و اتحادگرا در بین احزاب سیاسی _ مذهبی بروز خواهد کرد؛ ولی انتظار آن است که همکارانش در جماعت اسلامی و سازمان «شورای همبستگی ملی» برای پیشرفت اهداف، راه قاضی حسین را ادامه دهند و آثار منفی فقدان وی را در کوتاه مدت برطرف سازند.

قاضی حسین احمد به علت نارسایی قلبی، در بیمارستانی در «اسلام آباد» بستری شد و سرانجام در دی ماه ۱۳۹۱ شمسی در ۷۴ سالگی به رحمت حق پیوست. رحمه الله و من سبقه و أسکنهم فصیح جنته.

۱_ البته با کلاه های شرعی که مقدس مأَهای رباخوار، برای اصلاح کارهای ضد اسلامی خود درست کرده اند، یک معامله ربوی صدهزار تومانی با مبادله یک قوطی کبریت مصالحه می شود... و این ها خیال

از مجله مکتب اسلام تا تأسیس مرکز نشر معارف اسلامی در جهان

عنوان «رسالت اخلاق در تکامل انسان» انتشار یافت؛ که شش بار در ایران تجدید چاپ شده است.

آغاز نشر اسلام در جهان

آیت الله موسوی لاری در سال ۱۳۵۷ به دعوت یکی از سازمان‌های اسلامی آمریکا سفری به آن دیار کرد و با صاحب‌نظران در زمینه ضرورت نشر مسائل اعتقادی اسلام به زبان‌های خارجی به مشاوره و گفت‌وگو پرداخت. وی سپس به انگلستان و فرانسه رفت و پس از بازگشت به نوشتن یک سلسله مقالات درباره ایدئولوژی اسلامی در مجله سروش پرداخت؛ این مجموعه مقالات که اصول عقاید اسلامی را در بر می‌گرفت، تحت عنوان مبانی اعتقادات در اسلام در چند جلد کتاب که شامل توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد بود انتشار یافت.

برخی کتاب‌های آیت الله موسوی لاری

— بررسی مشکلات اخلاقی و روانی

— اسلام و سیمای تمدن غرب

— رسالت اخلاق در تکامل انسان

— مبانی اعتقادات در اسلام — جلد اول: توحید و عدل

— مبانی اعتقادات در اسلام — جلد دوم: نبوت

— مبانی اعتقادات در اسلام — جلد سوم: امامت

— مبانی اعتقادات در اسلام — جلد چهارم: معاد

— نگرشی کوتاه بر عملکرد ۲۲ ساله

تأسیس «مرکز نشر معارف اسلامی در جهان»

مرحوم آیت‌الله موسوی‌لاری در قم دفتری به نام «دفتر گسترش فرهنگ اسلامی خارج از کشور» تأسیس کرد که بعداً به‌عنوان «مرکز نشر معارف اسلامی در جهان» تغییر نام یافت.

این مرکز به نشر آثار اسلامی به‌خصوص آثار ترجمه شده ایشان پرداخت؛ اقدامی با هدف گسترش تعالیم اسلامی و مفاهیم قرآنی در اقصی نقاط دنیا.

کتاب منتشر شده از سوی این مرکز تبلیغاتی برای درخواست کنندگان مشتاق و تشنگان حقایق اسلامی اعم از افراد و یا هزاران مؤسسه و مدرسه و گروه‌ها و جمعیت‌های اسلامی از سراسر جهان به‌صورت اهدایی ارسال می‌شود که ثمرات و نتایج خدمات اسلامی و فرهنگی این مرکز در روشن ساختن اذهان انبوه عظیمی از مردم جهان نسبت به حقایق نورانی اسلام و جذب افراد بسیاری از غیرمسلمانان به سوی اسلام ضمن هزاران

«آیت‌الله سید مجتبی موسوی لاری»، نماینده ولی فقیه در لارستان، دار فانی را وداع گفت. او از اندیشمندان بزرگ اسلامی بود که آثار متعددی در زمینه‌های مختلف دینی تألیف و به زبان‌های مختلف منتشر و در جهان توزیع کرد.

آنچه در پی می‌آید خلاصه‌ای از زندگینامه آیت الله سید مجتبی موسوی لاری است:

«سیدمجتبی موسوی لاری» در سال ۱۳۱۴ شمسی در شهر لار و در آغوش خاندان علم و دیانت و جهاد به دنیا آمد. وی فرزند «آیت‌الله سیدعلی اصغر آیت‌اللهی لاری» و نوه «آیت‌الله العظمی سید عبدالحسین موسوی نجفی لاری» رهبر قیام بزرگ جنوب علیه استعمار انگلستان بود. آیت الله سید عبدالحسین لاری کسی بود که در مبارزه با یهودیان مسلح، مبلغان مسیحی انگلیس و دولت مزدور قاجار، ابهت استعمار خارجی و استبداد داخلی را در هم شکست، حکومت اسلامی مستقل را در لارستان و جنوب ایران برپا نموده و احکام الهی را در آن به‌مورد اجرا گذاشت. آموزش نیروهای نظامی، احداث کارخانه اسلحه سازی، چاپ تمبر، مقابله با نظامیان روس و انگلیس، تحریم خوراک و پوشاک خارجی و بازداشتن مردم از غرب‌گرایی و غرب‌زدگی از جمله دستاوردهای آیت الله عبدالحسین لاری در قیام جنوب بود.

تحصیلات

وی تحصیلات ابتدایی و مقدمات علوم اسلامی را در لار فرا گرفت. سپس در سال ۱۳۳۲ و در آغاز جوانی، برای تحصیلات عالی اسلامی راهی قم گشت و از محضر بزرگان و علمای حوزه علمیه قم حوزه استفاده‌ها کرد.

مجله مکتب اسلام

او از سال ۱۳۴۱ با نوشتن یک سلسله مقالات اخلاقی – اسلامی با مجله دینی و علمی «درس‌هایی از مکتب اسلام» قلم زدن را آغاز کرد. مجموعه این مقالات بعدها به صورت کتابی تحت عنوان «مشکلات اخلاقی و روانی» چاپ و منتشر شد؛ کتابی که تاکنون به ۱۰ زبان ترجمه شده و متن فارسی آن نیز برای چهاردهمین بار تجدید چاپ گردیده است.

وی به تهیه و تنظیم مقالات اخلاق اسلامی در مجله مکتب اسلام ادامه داد و در سال ۱۳۵۳ مجموعه آن مقالات با تجدیدنظر و اضافات به‌صورت کتابی تحت

آیت الله ایمانی:

آیت الله موسوی لاری به اندازه چند وزارتخانه کار می‌کرد

آیت‌الله اسدالله ایمانی، نماینده ولی فقیه در استان فارس در گفت‌وگو با خبرگزاری رسا، با اشاره به آثار و برکات زندگی مرحوم آیت الله موسوی لاری، اظهار داشت: مخاطب ایشان در تبیین معارف اسلامی همه انسان‌ها بود و هیچ ملیت، مذهب و گروهی خاصی را مد نظر نداشتند.

وی چهره آیت الله موسوی لاری را در میان فرهیختگان و نخبگان خارج از کشور شناخته شده‌تر از داخل دانست و گفت: توجه وی فراتر از مرزها بود و همه انسان‌ها را مد نظر داشت؛ عمده فعالیت‌های ایشان متمرکز در خارج از کشور بود به همین دلیل در داخل کشور ناشناخته بودند؛ کتاب‌های ایشان به ۱۴ زبان ترجمه و منتشر شده است.

امام جمعه شیراز یکی دیگر از دلایل گمنامی مرحوم آیت الله موسوی لاری را تواضع و فروتنی آن مرحوم عنوان کرد و ابراز داشت: ایشان حاضر نبود حتی پیرامون کارهایی که انجام داده‌اند برای مردم توضیح دهد؛ بزرگداشتی که در قم و شیراز برای تجلیل شخصیت علمی و خدمات ایشان برگزار شد ایشان حتی حاضر نشد در این مراسم شرکت کند و دیگران ایشان را معرفی کردند.

نماینده ولی فقیه در استان فارس با اشاره به راه اندازی مرکز نشر معارف اسلامی در قم و شیراز به همت آیت الله موسوی لاری، گفت: کتاب‌ها، نشریات و پرسش‌های فراوانی از اقصی نقاط جهان به این دو مرکز ارسال می‌شد و ایشان به همه آنها پاسخ می‌دادند.

آیت الله ایمانی افزود: هرکس از عمق فعالیت‌های این مرکز اطلاع داشته باشد معتقد است که ایشان با این مجموعه کوچک به اندازه چند وزارت خانه کار می‌کرد؛ بنده از نزدیک شاهد بودم که این حجم کار و این همه خدمات از عهده این مرکز کوچک بر نمی‌آید، اما ایشان با اخلاص و ارادت به اهل بیت(ع) زمینه امداد الهی را فراهم آورد به نحوی که با کمترین نیرو بیشترین خدمات را ارائه می‌کرد.

خدمات حجت‌الاسلام والمسلمین

موسوی لاری به گسترش معارف

اسلامی کم‌نظیر است

متن پیام رهبر انقلاب اسلامی که در پی درگذشت آیت الله موسوی لاری صادر شده است، به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

خبر درگذشت روحانی عالىقدر و نویسنده مجاهد، مرحوم حجت الاسلام و المسلمین آقای حاج سید مجتبی موسوی لاری را با تأسف فراوان دریافت کردم.

خدمات این عالم فرزانه و بزرگوار و ارزشمند به گسترش معارف اسلامی و مکتب اهل بیت علیهم السلام در سراسر جهان، در چند دهه اخیر حقا کم‌نظیر است و هزاران انسان منصف و مشتاق، با هدایت نوشته‌های وی که با چیرگی علمی و تبیین منطقی نوشته و در پنج قاره منتشر می‌شد، به‌سر چشمه حقیقت دست یافته و اسلام را شناخته و بدان ایمان آورده‌اند.

این عالم پارسا بی‌هیچ تظاهر و ادعا، یک تنه و بدون تکیه به این و آن، عمر و توان خود را مصروف این مجاهدت بزرگ کرد و پرداختن به وظیفه و کسب رضای الهی را وجهه همت ساخت.

این جانب درگذشت این عالم با اخلاص را به مردم شریف لارستان و استان فارس و به همه ارادتمندان و شاگردان و بهره‌مندان از کتاب‌های او و به ویژه به خاندان مکرم و بازماندگان معزز ایشان تسلیت می‌گویم و رحمت و مغفرت الهی و علو درجات را برای ایشان از خداوند متعال مسئلت می‌کنم.

سید علی خامنه‌ای
۱۳۹۱/اسفند/۱۹

پیام تسلیت رئیس مجلس در پی درگذشت آیت الله موسوی لاری

متن پیام رئیس مجلس که در پی درگذشت آیت الله موسوی لاری صادر شده است، به این شرح است:

بسم‌الله الرحمن الرحيم

رحلت عالم ربانی حضرت آیت‌الله سید مجتبی موسوی لاری نماینده محترم ولی فقیه در منطقه لارستان که از چهره‌های برجسته روحانیت استان فارس و حوزه علمیه قم بودند، موجب تأسف و تأثر گردید.

حضرت آیت‌الله سیدمجتبی موسوی لاری که پرورش یافته در یک خاندان روحانی و عالم‌پرور بودند در سراسر عمر خویش به نشر معارف و علوم انسانی اهتمام فراوان داشتند. این مرد الهی با جسمی نحیف اما روحی بزرگ و ایمانی قوی به تنهایی قیام کرده و با زحمات فراوان با تألیف و نشر کتبی که برآمده از مکتب اهل بیت(ع) بود، همت گماشت.

ایشان تا روزهای واپسین عمر شریف خود دغدغه نشر این آثار که موجب هدایت جمع کثیری از حقیقت‌جویان عالم شده بود در سر داشت.

کتاب‌های «مشکلات اخلاقی و روانی» که به ۱۰ زبان ترجمه شده، «مشکلات و سیاست تمدن غرب» که در مقایسه جامعه و مستدل برتری تمدن جامع اسلام بر تمدن غرب می‌باشد، «رسالت اخلاق در تکامل انسان» و «مبانی اعتقادات در اسلام» از آثار معروف آن عالم بزرگ می‌باشد. مرحوم حضرت آیت‌الله سیدمجتبی موسوی لاری همچنین با هدف گسترش تعالیم اسلام و مفاهیم قرآنی در سال‌های پیش از انقلاب در قم دفتری بنام دفتر گسترش فرهنگ اسلامی خارج از کشور تأسیس کردند که بعدها بنام مرکز نشریات معارف سلامی در جهان تغییر یافت که اقدامات موثر در انتشار و ترویج علوم دینی و قرآنی بدنبال داشت.

اینجانب از سوی خود و نمایندگان مجلس شورای اسلامی ضمن تسلیت این ضایعه به پیشگاه حضرت بقیه‌الله الاعظم، روحانیت، مقام معظم رهبری حوزه‌های علمیه و مردم شریف لارستان و همچنین بیت‌معزز آن روحانی جلیل‌القدر برای روح بلندایشان رحمت و مغفرت و برای بازماندگان صبر و شکیبایی از درگاه خداوند متعال مسئلت می‌کنم.

نامه دریافتی از ملیت‌های مختلف مردم انعکاس یافته و میلیون‌ها نفر را تغذیه فکری و معنوی کرده است.

کتاب‌های آیت الله موسوی لاری تاکنون به زبان‌های انگلیسی، عربی، روسی، فرانسه، اردو، اسپانیولی، ژاپنی، بلغاری، رومانیایی، چینی و بنگالی، آلمانی، آلبانیایی، سواحیلی، پرتغالی، هندی، مالایو، تایلندی و سینه‌الی ترجمه شده است.

همچنین این مرکز اقدام به چاپ قرآن کریم با ترجمه انگلیسی، فرانسه، اسپانیولی و روسی کرد که به متقاضیان از کشورهای مختلف اهدا می‌شود.

بسیاری از افرادی که در غرب، به دین اسلام یا مذهب تشیع گرویده‌اند تحت تأثیر کتابها و تبلیغات ایشان بوده است.

امور اجتماعی و سیاسی

این دانشمند سترگ تنها به تألیف و تحقیق نپرداخت؛ بلکه در سال ۱۳۴۳ دفتر خیریه‌ای در شهر لارستان تأسیس کرد و برای تبلیغات اسلامی و آشنا ساختن نوجوانان روستایی به مبانی اسلام و کمک به قشر مستمند خدماتی از سوی دفتر آغاز شد.

ایشان همچنین پس از پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان نماینده امام خمینی(ره) در لارستان منصوب شد و فعالیت کرد.

تجلیل در داخل و خارج

در مهرماه سال ۱۳۸۹ همایشی در تجلیل از این دانشمند بزرگ به همت نهادهای دینی و تبلیغی جمهوری اسلامی ایران – از جمله مجمع جهانی اهل بیت(ع) – برگزار شد.

همچنین در سال ۱۳۷۲ شمسی به‌لحاظ تأثیری که نشر کتب روسی ایشان در جمهوری آذربایجان به جای گذاشت، «آکادمی علوم جمهوری آذربایجان» در باکو دکترای افتخاری به ایشان اهداء کرد و به همین مناسبت مراسمی در دانشگاه باکو برگزار کرد.

وفات

آیت‌الله سید مجتبی موسوی لاری سرانجام پس از گذراندن یک دوره طولانی بیماری بامداد روز شنبه ۱۹ اسفندماه ۱۳۹۱ در ۷۷ سالگی در مولد خود – لار – به دیدار حق شتافت. روحش شاد و نامش جاودان.

پیام تسلیت مجمع جهانی اهل بیت در پی ارتحال آیت‌الله موسوی لاری

مجمع جهانی اهل‌بیت(ع) در پی ارتحال «آیت‌الله سید مجتبی موسوی لاری» پیام تسلیتی صادر کرد.

متن کامل این پیام به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم

«الذین یبلغون رسالات الله و یخشونه ولا یخشون احداً الا الله و کفی بالله حسیبا» ضایعه ارتحال جانشوز دانشمند بزرگ، نویسنده مخلص، مبلغ خستگی‌ناپذیر و سنگربان بیدار مرزهای فرهنگی اسلام «آیت‌الله سید مجتبی موسوی لاری» موجب تأثر و تأسف همه دوستداران علوم اسلامی و فرهنگ شیعی گردید.

گرچه این عالم خستگی‌ناپذیر در طول بیش از پنجاه سال فعالیت علمی، اجتماعی و تبلیغی، آثار تألیفی ماندگاری از خود بر جای گذاشت؛ اما آنچه وی را جاودانه و کارش را منحصر به فرد ساخت، تلاش مداوم ایشان برای ترجمه این آثار به زبان‌های مختلف جهان بود.

ضمن این‌که آیت‌الله موسوی لاری به تألیف و ترجمه این کتب نیز بسنده نکرد؛ بلکه با تأسیس «مرکز نشر معارف اسلامی در جهان» نسبت به توزیع و نشر این کتاب‌ها و نیز قرآن کریم در جهان اقدام کرد.

«جامعیت در عین ایجاز»، «نگاه نو»، «زمان‌شناسی»، «نیازشناسی» و «مخاطب‌شناسی» از ویژگی‌های آثار این محقق برجسته بود که باعث شد این کتاب‌ها نه تنها در ایران، بلکه در سراسر جهان مورد توجه و استفاده قرار بگیرد؛ آن‌گونه که بسیاری از افرادی که در غرب، به دین اسلام یا مذهب تشیع گرویده‌اند تحت تأثیر کتاب‌ها و تبلیغات ایشان بودند، در یک جمله می‌توان گفت که او به تنهایی «یک مؤسسه» بود. تواضع، اخلاق، اخلاص و عشق مثال‌زدنی این فقیه فقید به آموزه‌های قرآن و اهل‌بیت(ع)، همواره همچون الگویی درخشان، در یاد و خاطره مسلمانان باقی خواهد ماند؛ طوبی له و حسن مآب.

مجمع جهانی اهل‌بیت(ع)

۱۹ اسفند ۱۳۹۱ / ۲۶ ربیع الثانی ۱۴۳۴

دکتر مهدی گلشنی استاد دانشگاه، صنعتی شریف و عضو شورای عالی انقلاب در هنگام دریافت جایزه علامه طباطبایی از رئیس جمهور در سخنانی دغدغه‌های فرهنگی خود را تشریح کرد.

متن سخنان استاد مهدی گلشنی در هنگام دریافت جایزه علامه طباطبایی با عنوان «دغدغه‌های فرهنگی من» به این شرح است:

در میهن عزیز ما همواره معارف دینی یک مؤلفه عمده فرهنگ بوده است، که انعکاس آن را به خوبی در ادبیاتمان می‌بینیم. همچنین همواره در گذشته آموزشهای علمی همراه با آموزش حکمت و اخلاق بوده است. در وضعیت فعلی ارگانی که می‌تواند به غنی کردن فرهنگ دانش‌پژوهان کمک کند دانشگاه است. این دانشگاه است که باید رشد فرهنگی دانشجویان را به عنوان یکی از رسالت‌های عمده‌اش به عهده بگیرد. اما متأسفانه با رشد علم جدید، دانشگاه‌ها صرفاً به تعلیم علوم پرداختند و از دو رکن مهم فرهنگ که حکمت و اخلاق باشد غفلت ورزیدند. این به دانشگاه‌های فعلی ما نیز منتقل شده است و به نظر بنده یکی از نقائص عمده فرهنگ حاکم بر محیط ما است. الان دانشجو در حالی فارغ‌التحصیل می‌شود که در رشته تخصصی خودش معلوماتی آموخته است، اما ذهن او فارغ از مسائلی است که در تعامل وی با جامعه‌اش و تصمیم‌گیری‌هایش نقش کلیدی دارند. دانشگاه امروزی قانع به پرورش متخصص است و این منجر به فقدان یک دید کل‌نگر در دانشمندان و جوامع علمی شده است. لذا علم بکلی از مسائل محیط غافل مانده و مسئولیت انسان نسبت به سایر خلقت مغفول واقع شده است. دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی باید رابطه‌ای جدید بین علوم طبیعی و فنی و علوم انسانی با حیات انسانی و نیازهای جامعه خود برقرار کنند.

در حال حاضر ریشه‌های فرهنگ دینی در جامعه سست شده است. علمای حوزوی و غیر حوزوی در این راستا وظایف خود را بخوبی انجام نداده‌اند و آن بخش از دین را که باعث نشاط دینی در عرصه اجتماعی می‌شود به اندازه کافی به جامعه معرفی نکرده‌اند و به ترویج صحیح و پخته فرهنگ دینی نپرداخته‌اند. اصلاح ناهنجاری‌ها در فرهنگ یک جامعه به عهده علما و طبقه تحصیل کرده آن است. اما این‌ها در جامعه ما به اندازه‌ای که لازم بوده وقت صرف این کار نکرده‌اند. درست است

که فرهنگ دینی در افکار عمومی رسوخ بسیار دارد، چون دین در جامعه ما بخوبی نفوذ کرده است، اما باید انحرافات و اشتباهات وارد شده به آن را تصحیح کرد. در چند دهه اخیر فعالیتهای بسیاری انجام گرفته‌اند، اما این فعالیت‌ها در حد استعداد و ظرفیت میهن عزیز ما نبوده است و مسئولان به علاج ناهنجاری‌های فرهنگی به اندازه کافی توجه نداشته‌اند و چون آگاهی دقیقی هم از مشکلات وجود نداشته است، اقدامات لازم نیز صورت نگرفته است. در اینجا می‌خواهم بعضی از ناهنجاریهای فرهنگی مان را ذکر کنم.

۱- یکی از موضوعات فرهنگی که در جوامع علمی ما مغفول مانده مسأله اخلاق و ارزش‌های اخلاقی است. چند چیز باعث غفلت از آموزش ارزش‌های اخلاقی در محیط‌های علمی ما شده است. یکی از آنها غرق شدن در تخصص‌ها است که باعث شده هر چیزی جز خود تخصص فراموش شود، در حالی که تخصص‌ها در خلاء انسانی بکار نمی‌آیند، بلکه باید در محیط‌های انسانی بکار گرفته شوند و لذا فرآورده‌های علم نباید نسبت به آثار علم بر جوامع انسانی بی‌تفاوت باشد.

۲- مسأله فرهنگی دیگر این است که رفتار مسئولان آموزش عالی و بعضی از روسای دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی با دانشجویان به اندازه کافی اخلاقی و اسلامی نبوده است. یک نمونه آن مسأله باز نشسته کردن هیات علمی در دانشگاه‌ها است، که عجله زیادی در پیاده کردن آن دیده می‌شود، در حالی که از نظر اسلامی تا وقتی که شخص توانائی انجام کار با کیفیت مطلوب را دارد، کنار گذاشتن او دور از حکمت و غیر انسانی است. آیا از نظر شرعی درست است که نشاط را از فردی که نشاط و شکوفائی علمی دارد، بگیریم؟ متأسفانه این بازنشسته کردن‌ها، که شامل بعضی از نیروهای مومن کارآمد دانشگاه‌ها نیز شده است، اثر نامطلوبی بر ذهن آنان گذاشته است، در حالی که اگر صرفاً بعد مالی برای آن افراد مطرح بود، به نفعشان می‌بود که بازنشسته شوند و حق‌التدریس و حق‌التحقیق و غیره را هم بگیرند. رفتار بازنشستگان حتی بعد از بازنشستگی نیز مطلوب نبوده است. چگونه می‌توان استادی برجسته راه که نقش اساسی در توسعه یک دانشکده داشته است، از اتاقش محروم کرد و به اتاق بازنشستگان فرستاد و کتاب درسی ممتاز وی را هم از لیست کتاب‌های منبع حذف کرد، یا به استادی که آزمایشگاهی معتبر را براه انداخته بعد از بازنشستگی اجازه ورود به آن را نداد. مشکل کیفی

دکتر گلشنی:

مسئولان به علاج ناهنجاری‌های فرهنگی توجه کافی نداشته‌اند

متأسفانه آزمون ورود به دوره‌های دکتری در دو سال اخیر، از نظر پائین آوردن سطح پذیرفته‌شدگان، فاجعه بوده است و البته آثار نامطلوب آن به تدریج ظاهر خواهد شد. امیدوارم شورایعالی انقلاب فرهنگی از توجه به این مسأله سرنوشت ساز غفلت نکند.

یک مساله مهم دیگر که به کیفیت مربوط می‌شود، توجه به تعداد مقالات منتشر شده، فارغ از میزان تاثیرگذاری آن‌ها است. آیا مشخص کردن پیشرفت علمی کشور با مقالاتی که اکثر نوآوری ندارند و در جهت رفع نیازهای کشور نیستند، درست است و به مصلحت کشور می‌باشد؟ کشور ما فقط اگر بتواند روی پای خودش بایستد، می‌تواند در دنیا عرض اندام کند والا همواره عقب خواهد ماند و برای رفع نیازمندی‌های خود دچار دردسر خواهد بود. حل این مساله نیز عنایت بیشتر شورایعالی انقلاب فرهنگی را می‌طلبد.

۵- دانشگاه باید دانشجویی تربیت کند که به ماندن در کشور و خدمت به آن علاقمند باشد و اگر دیندار وارد می‌شود دیندارتر خارج شود، اما آیا حالا چنین است؟ فرهنگ فعلی حاکم در دانشگاه‌ها به دانشجو لقا می‌کند که فقط دنبال تامین شغل آینده‌اش و شهرتش باشد. باید با کار فرهنگی ظریف این جو ناسالم را تغییر داد. با بخشنامه نمی‌توان فرهنگ دینی را رایج کرد. فرهنگ تزریقی نیست، بلکه اصلاح آن مستلزم کار عقلانی و پخته و عالمانه است و در این مورد باید بین دانشجویان و حوزویان دیالوگ سازنده برقرار باشد. باید از تفکرات، اولوین‌ها و دغدغه‌های جوانان مطلع شویم و برای تغییر نگرش‌های نادرست آنان برنامه‌ریزی درست داشته باشیم.

بدیهی است که فرهنگ صحیح دینی از طریق علوم پایه و مهندسی منتقل نمی‌شود، بلکه باید دانشجویان این حوزه‌ها تعداد مناسبی از علوم انسانی را فرا گیرند. یعنی باید برنامه دانشگاه‌ها کل نگر باشد و جوانان را با مسائل واقعی انسان و محیط آشنا کند و آنها را برای حل این مسائل مجهز سازد. مسئولانی که معتقدند دانشگاه‌های تخصصی باید اساساً در زمینه‌های تخصصی فعال باشند و نباید وارد مباحث دینی و فلسفی شوند، چگونه می‌خواهند تفکر اسلامی را در دانشگاه‌ها حاکم سازند. آیا دانشجویان علوم پایه و علوم مهندسی به یک سو پرمایه فرهنگی نیاز ندارند؟ علاوه بر جهان‌بینی اسلامی، تجارب کشورهای غربی هم خلاف این بیش را نشان می‌دهد. از خداوند متعال خواهیم که به همه ماها وسعت نظر عطا فرماید.

دیگر این است که کارآمدی افراد صرفاً با نوع مدرک یا مرتبه دانشگاهی آن‌ها سنجیده می‌شود. گاهی بعضی از لیسانسیه‌ها حتی از بعضی از دارندگان درجه دکترا در رشته خودشان مسلط‌تر هستند و نفعشان برای دانشگاه بیشتر است. باید کارآمدی افراد را براساس پرونده آنها سنجید.

۳- فقدان انضباط، اعتماد به نفس، قانون‌پذیری، نقدپذیری، تضارب آراء، همراه با جمود فکری، که در محیط مابوفور دیده میشود، همگی حاکی از ضعف فرهنگی است و فقط از طریق تصمیم جدی مسئولان بر رفع آنها همراه با برنامه‌های فرهنگی مناسب در دانشگاه‌ها و رسانه‌ها علاج‌پذیر است. شورای عالی انقلاب فرهنگی هم متأسفانه روی این ضعفهای فرهنگی به اندازه کافی حساسیت به خرج نداده است.

۴- مساله دیگر مهم تلقی نشدن کیفیت در بسیاری از شئون جامعه ما است. در فرهنگ اسلامی کیفیت نقش مهمی را ایفا می‌کند. اما ما در زمان حاضر بیشتر به کمیت اهمیت می‌دهیم. ما امروز خیلی دلمان به آمار و ارقام خوش است تعداد مقالات، تعداد دانشجویان دکترا و غیره. اما آمارى که داده می‌شود، اکثراً فاقد تحلیل است و لذا نمی‌تواند معرف پیشرفت واقعی کشور در علم باشد. امروز اعتبار علمی افراد در محیط ما عمدتاً با تعداد مقالات مندرج در مجلات آی اس آی، آی اس سی و نظایر آنها سنجیده می‌شود و حتی اگر کسی بخواهد دوره دکترا را بگذراند، داشتن مقاله به او کمک می‌کند. اما مقاله اصیل چیزی است که نتیجه پژوهش واقعی باشد، در حالی که در زمان ما با باز شدن دکان‌های فروش مقالات این امکان هست که یک دانشجوی متوسط با خرید مقاله به دوره دکترا راه یابد، ولی یک دانشجوی ممتاز به علت نداشتن مقاله وارد نشود. این گونه امتیاز دهی را شما در کجای جهان پیشرفته سراغ دارید؟

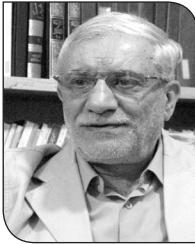
آیا لزومی دارد دانشگاه‌ها را با دانشجوی بی‌کیفیت پر کنیم؟ آیا هم‌زمان وارد کردن دانشجوی متوسط با پول و بدون کنکور به دوره دکترا، همراه با دانشجوی ممتاز از طریق کنکور، آن هم در دانشگاه‌های درجه اول کشور، لطمه‌زنی واضح به کیفیت این دانشگاه‌ها نیست؟ آیا درست است که دانشگاه‌های درجه اول کشور نیروهای ارزنده علمی خود را صرف تربیت دانشجویان متوسط پذیرفته شده در پردیس‌های جدید الاحداث خود کنند؟ وقتی این همه دانشگاه‌های برتر را برای استعدادهای برتر بگذاریم و سطح آنها را پائین نیاوریم؟

دکتر آذرشب:

عدم صداقت در برخورد‌های سیاسی باعث انحراف اخلاقی جامعه خواهد شد

دکتر آذرشب عنوان کرد: بی‌توجهی به این مسئله باعث شده که این همه تقلب در نگاشتن پایان نامه یا بشود مراکزى پیداشد که پول می‌گیرند و رساله فوق لیسانس و دکتری تهیه می‌کنند و این برای کشور اسلامی ما زشت است. با این کار چهره خوبی از ما ارائه نخواهد شد. ضمناً نسبت به ارائه مسائل عینی هم باید به واقعیات توجه کنیم نه فقط به آمار و ظاهر سازی تمرکز کنیم.

این پژوهشگر درباره فضای علمی و اندیشه ای حاکم بر کشور هم گفت: تا حدود زیادی در این زمینه کارشده یعنی فضایی به وجود آمده که فکر و اندیشه و تفکر در جامعه رواج پیدا کند. ولی تشویش ذهنی هم در کنارش زیاد است. یعنی کسانی هستند که دست اندرکار اشاعه علم و فرهنگ و ایجاد فضای فکری فرهنگی مثبتی در جامعه هستند اما در کنارش صدها عامل داخلی و خارجی است که روحیه علمی فکری و فرهنگی جامعه را می‌خواهند خراب کنند. به همین جهت کسانی که به دنبال سازندگی فضای فکری مثبتی در جامعه هستند باید از کلیه ابزارهای هنری و فنی استفاده بکنند و با سعه صدر و نه با تنگ نظری با مسائل فکری فرهنگی و علمی برخورد کنند. در نتیجه ما در مقابل این قضیه با چالش بزرگ روبرو هستیم که باید با حکمت و درایت با آن برخورد کنیم.



اخلاقی یکی از چالشهای بزرگی است که همه باید به آن توجه کنیم. البته اخلاق فقط با وعظ و ارشاد درست نمی‌شود باید زمینه‌های اخلاقی فراهم بشوند. یعنی زمینه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فکری و فرهنگی برای اخلاق باید مورد توجه قرار بگیرند. چنانچه استقلال اقتصادی یا نابسامانی فکری و فرهنگی یا عدم توجه به صداقت در برخورد‌های سیاسی در جامعه به وجود بیاید اخلاق در جامعه منحرف خواهد شد. تنها با وعظ و ارشاد امکان ندارد این روند به صورت صحیح پیش برود.

دکتر آذرشب تصریح کرد: بنابراین یکی از چالشهای بزرگ جامعه مسئله اخلاق است که امیدوارم مورد توجه و عنایت مسئولان کشور قرار بگیرد. اخلاق باید هم از نظر نظری تفهیم شود هم عملکرد کلیه نهادهای دولتی و علما و متفکران و ادبا و هنرمندان به گونه ای باشد که اخلاق در جامعه جا بیفتد. مسئله اقتصاد یکی از عوامل مهم رستگاری افراد و متخلق شدن به اخلاق است تا مشکلات اقتصادی وجود دارد مشکلات اخلاقی حل نشدنی است.

وی افزود: یکی دیگر از چالشها یی که به نظر می‌رسد بازهم فرعی از انحرافات اخلاقی است تظاهر و

مشاور وزیر ارشاد در امور بین الملل با اشاره به اینکه یکی از چالشهای بزرگ جامعه مسئله اخلاق است گفت: اخلاق باید هم از نظر نظری تفهیم شود هم عملکرد کلیه نهادهای دولتی و علما و متفکران و ادبا و هنرمندان به گونه ای باشد که اخلاق در جامعه جا بیفتد.

دکتر محمدعلی آذرشب عضو کمیته فرهنگ و تمدن اسلام و ایران شورای عالی انقلاب فرهنگی در گفتگو با مهر در مورد مهمترین دستاوردها و آسیب های فرهنگی سال ۹۱ گفت: پاسخ به این سؤال یک طرح تحقیقاتی و مطالعاتی می‌خواهد.

وی در مورد اینکه در پایان ۹۱ چه نیاز فرهنگی فکری احساس می‌شود که باید به آن پرداخته شود افزود: مسائل اخلاقی باید تحت الشعاع مسائل سیاسی قرار نگیرد یعنی اینقدر مسائل سیاسی را در گفتمانمان پررنگ نکنیم که مسائل اخلاقی فراموش شود. زیرا اساس اسلام اخلاق است. پیامبر(ص) فرمود انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق، «انما» هم یعنی «فقط» پس بنابراین هدف اسلام در درجه اول اخلاق است.

استاد زبان و ادبیات عرب دانشگاه تهران یادآور شد: انسانها باید درون خود را پاک و طاهر کنند تا عملشان هم در خارج بر اساس پاکی و طهارت درون هم تعدیل بشود و استقامت پیدا بکند. فراموش کردن مسائل

«کتاب‌شناسی مطالعات قرآن کریم در زبان‌های اروپایی» آماده انتشار شد



رئیس مرکز ترجمان وحی از آماده شدن «کتاب‌شناسی مطالعات قرآن کریم در زبان‌های اروپایی» خبر داد و اظهار کرد: این کتاب به بررسی کتاب‌های منتشر شده در زبان‌های اروپایی طی پنج قرن گذشته و زمینه‌های خط، ترجمه، علوم قرآن، اعراب و آنچه که مربوط به قرآن می‌شود، می‌پردازد. حجت‌الاسلام والمسلمین محمد نقدی، رئیس مرکز ترجمان وحی، از آماده شدن «کتاب‌شناسی مطالعات قرآن کریم در زبان‌های اروپایی» خبر داد و اظهار کرد: زمان بسیاری است که علاقه‌مندان به این اثر در انتظار چاپ آن به سر می‌برند.

وی افزود: این کتاب را مرتضی کریمی‌نیا به انجام رسانده و به بررسی کتاب‌های منتشر شده در زبان‌های اروپایی از سال ۱۵۰۰ میلادی تا سال ۲۰۱۲ بعد از میلاد می‌پردازد. در زمینه‌های خط، ترجمه، علوم قرآن و اعراب و آنچه که مربوط به قرآن می‌شود مورد بررسی و واکاوی قرار گرفته است.

رئیس مرکز ترجمان وحی ضمن بیان اینکه حدود ۹ هزار مدخل در این کتاب وجود دارد، اظهار کرد: در این کتاب فهرست تفصیلی کتب و مقالات قرآنی انتشار پیدا کرده به یکی از زبان‌های انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، اسپانیولی، ایتالیایی، هلندی و لاتینی، طی پنج قرن گذشته ارائه می‌شود.

وی افزود: واژگان قرآن، آیه‌پژوهی، سوره‌پژوهی، اعلام و مفاهیم قرآن، قرآن‌پژوهان جهان، قرآن و چالش‌های عصر جدید، پژوهش‌های موضوعی در قرآن و نقد و بررسی آثار قرآنی خاورشناسان از دیگر موضوعات مقالات این کتاب است.

حجت‌الاسلام نقدی عنوان کرد: کتاب به ترتیب الفبایی نام پدیدآورنده تنظیم شده است و اطلاعات تفصیلی هر اثر شامل نام کامل و مشهور مؤلف، نام مترجم یا ویراستاران احتمالی، نام کامل اثر، مشخصات ناشر، محل و سال نشر و تعداد صفحات همراه با مشخصات کامل کتاب یا نشریه‌ای که مقاله در آن چاپ شده ذکر می‌شود.

وی ادامه داد: مشخصات کتاب‌شناختی کتاب‌ها و مقالاتی که به یکی از زبان‌های اسلامی عربی، فارسی، اردو، ترکی، مالایی و اندونزیایی ترجمه یا تلخیص شده‌اند، ذیل هر مأخذ در پانویس ذکر شده است.

رئیس مؤسسه ترجمان وحی با اشاره به نمایه‌های تفصیلی این کتاب گفت: این نمایه به زبان فارسی بوده و شامل نمایه اعلام، اماکن، آیات، سوره‌ها، مفاهیم و موضوعات اصطلاحات تفسیر و علوم قرآنی، کتاب‌ها و مؤلفان است.

وی عنوان کرد: با مراجعه به این بخش به سهولت می‌توان دریافت که درباره هر موضوع و یا مسئله قرآنی، کدام مقالات یا کتاب‌ها انتشار پیدا کرده است. حجت‌الاسلام نقدی گفت: محتوای این کتاب‌شناسی از سال ۷۶ تا ۹۱ با پژوهش مستمر در منابع کتابخانه‌ای در مهم‌ترین کتابخانه‌های سراسر جهان از جمله کتابخانه‌های ملی فرانسه، استرالیا، ایتالیا، اسپانیا، ایران و کتابخانه‌های دانشگاه‌های لایدن، بریتانیا، مک‌گیل و مونخ گردآوری و تنظیم شده است.

وی همچنین اظهار کرد: از منابع کتابخانه‌های داخلی مانند دائرةالمعارف اسلامی، دانشکده الهیات دانشگاه تهران و ملی ایران در تدوین این اثر استفاده شده است. وی در پایان اضافه کرد: این کتاب در یک جلد و هشتصد صفحه با حروف ریز و دائرةالمعارفی به چاپ می‌رسد.

آیت‌الله جوادی آملی:

با مال حرام نمی‌شود منتظر امام زمان (عج) بود

بتوانیم به خدا نزدیک شویم. استاد عالی حوزه علمیه قم با اشاره به این که تمام اختلافات دنیوی به دلیل دنیاگرایی افراد است، ابراز داشت: امور دنیوی بسیاری از مشکلات زندگی را رقم می‌زند و اگر از دنیاگرایی دوری کنیم نه تنها مشکلات گریبان‌گیر ما نمی‌شوند بلکه زندگی بهتر داشته و بهتر می‌توانیم رضایت‌بخش‌تر را جلب کنیم.

وی گفت: باید دعاها و زیاراتی که از امام زمان (عج) نقل شده و دعاها و زیاراتی که درباره امام نقل شده و هین‌طور دعاها و زیاراتی که از نایبان و درباره نایبان حضرت نقل شده جمع‌آوری و از حالت مرسله خارج و به صورت مسند در بیاید و به صورت حدیث و روایت مسندالسند ارائه شود که این امر تأثیر بسیاری در انتظار صحیح و ظهور دارد.

آیت‌الله جوادی آملی با بیان این که با مال حرام نمی‌شود منتظر ظهور امام زمان (عج) بود، ابراز داشت: باید یاد بگیریم که در دعاها از نیاز به ناز برسیم یعنی دعای ما به این صورت باشد که با خدا ناز کنیم که دعای افتتاح دلالت بر ناز با خداوند دارد و چگونگی ناز و درد دل با خداوند هم در مناجات شعبانیه آمده است. وی ادامه داد: اگر با خداوند ناز کردیم و نیازمان به ناز تبدیل شد کار به جایی می‌رسد که اگر خداوند خطاب به ما بگوید چرا گناه کردی ما هم به او می‌گوییم که درست که من گناه کردم ولی چرا شما نبخشیدید که این امر با نیاز خالی به درگاه خداوند محقق نخواهد شد. مفسر برجسته قرآن کریم با اشاره به این که اگر انسان بداند که خداوند اهل نازکردن است وقتی سر

حجت الاسلام والمسلمین شیخ الاسلامی:

دعا راهی است که ائمه (ع) برای ورود به ساحت عرفان به روی مردم گشوده‌اند

استاد بازنشسته دانشگاه تهران تأکید کرد: امام سجاده (ع) با صحیفه سجاده خود، دفتر معرفت و کتاب حقیقی عرفان ناب شیعی را به مردم ارایه کرد و در اختیار آن‌ها گذاشت. هر یک از این دعاها درسی دانشگاهی در عرفان اسلامی قلمداد می‌شود.

وی افزود: صرف‌نظر از معصومان (ع) که حقیقت عرفان و دعا را درمی‌یابند، نمی‌توان

گفت که عارفان در تفسیرهای عرفانی خود از ادعیه نظرات خودشان را دخیل نکرده‌اند. عرفای گوناگون و فراوانی در عالم اسلام داشتیم که به هر حال ذهنیت خود را دست‌کم در برخی از مباحث عرفانی اعمال کرده‌اند که تفسیر عرفانی ادعیه نیز یکی از آن‌هاست. آقای شیخ‌الاسلامی افزود: این عارفان با ذهنیت‌های متفاوت به دعاها نگاه کرده‌اند اما انصافاً

حضرت آیت‌الله عبدالله جوادی در دیدار حجت الاسلام مسعود پورسید آقایی رئیس مؤسسه آینده روشن و هیأت همراه گفت: بهترین راه برای ارزیابی انتظار زمینه‌سازی تبلیغ و نشر معارف اسلامی است. وی با اشاره به این که در عصر بیشتر ائمه (ع) خفقان حاکم بود، افزود: در میان ائمه (ع) عصر امام باقر (ع) و امام صادق (ع) دوران زرینی برای نشر معارف الهی و اسلامی بود و این بزرگواران مسائل و مشکلات مختلفی را برطرف کردند و به نوعی بهترین زمان برای پرورش و استیلای تشیع بود.

وی در ادامه اظهار داشت: نشر تفسیر و احادیث مختص حوزه‌های علمیه بود و در آن زمان زعیم حوزه‌های علمیه مکه، مدینه و عراق افرادی بودند که در نقطه مقابل اهل بیت (ع) قرار داشتند و اجازه رواج تفسیر و حدیث را نمی‌دادند.

آیت‌الله جوادی آملی با بیان این که برخی بزرگواران تلاش کردند و نهج‌البلاغه را به صورت خطابه و حدیث مسند درآورده و از مرسله بودن خارج کردند، خاطر نشان کرد: همان‌گونه، باید احادیث، زیارات و دعاها را وارد از امام زمان (عج) بررسی و به صورت مسند درآید و به صورت احادیثی محکم در اختیار جامعه قرار گیرد.

وی با تأکید بر این که برای رسیدن به انتظار زمینه‌ساز ظهور باید از دنیا فاصله بگیریم و زهد از دنیا داشته باشیم، افزود: اصل فاصله گرفتن از دنیا شرط است نه فاصله گرفتن از مردم و جامعه چون کسی که از جامعه و مردم فاصله می‌گیرد طعمه شیطنیت می‌شود، اصل این است که فاصله خود را با دنیا زیاد کنیم تا

یک استاد ادبیات و عرفان معتقد است دعا و عرفان قابل تفکیک نیستند و در واقع دعا راهی است که ائمه (ع) برای ورود به ساحت عرفان به روی مردم گشوده‌اند.

حجت الاسلام والمسلمین علی شیخ‌الاسلامی در گفتگو با مهر عنوان کرد: دعا جوهره عرفان است، چرا که عرفان یعنی سیر و سلوک به سوی خدا و تقرب به او و بهترین عامل این تقرب نیز عبادت است. دعا نیز نه تنها به عنوان نوعی عبادت تلقی می‌شود، بلکه مخ آن معرفی شده است. در روایتی داریم که «الدعا مخ العبادة».

وی افزود: عرفان و دعا قابل تفکیک نیستند یعنی هیچ داعی از ارزش‌ها و پیام‌ها و معنویت‌های عرفان ناب بی‌بهره نیست و دعا همان راهی است که حضرات معصومین (ع) برای ورود به ساحت عرفان به روی مردم گشودند.

تودیع و معارفه رئیس دانشگاه قم

شهیدان از حیات ابدی برخوردارند، ادامه داد: انبیای الهی، امامان، عالمان و مجاهدان راه حق از چهره‌هایی هستند که با ذات پاک ربوبی پیوند خورده‌اند و خود را ابدی کرده‌اند. عضو هیات امنای دانشگاه قم با تقدیر از فعالیت‌های چندساله آیت‌الله بهشتی در ریاست این دانشگاه، تأکید کرد: امروز روز معرفی فردی است که در عرصه تعلیم و تدریس و تبلیغ چهره‌ای شناخته شده برای خاص و عام است و با گفتار و کردارش خود را با ذات ربوبی پیوند داده است. وی اضافه کرد: نگاه آیت‌الله بهشتی به دانشجویان پدران، مهربانانه و دلسوزانه و توجهش به کارمندان همراه با محبت و نگاهش به مسئولین نگاهی همراه با تشکر و تقدیر بود.

معاون فرهنگی اجتماعی دانشگاه قم با اشاره به این که آیت‌الله بهشتی از ۶ ماه گذشته استعفا کرده بود، گفت: پس از بررسی‌های فراوان مسئولیت جدید این دانشگاه به حجت‌الاسلام والمسلمین دیرباز سپرده شد. سرپرست جدید دانشگاه قم گفت: ما از مسئولان شهر تقاضا می‌کنیم این دانشگاه را بخشی از شهر مقدس قم قلمداد کنند همان‌طور که به فکر آبادانی شهر هستند به

اگر یافته باشند بسیاری‌شان خوب یافته‌اند. مترجم کتاب «شرح اسماء حسنی» با اشاره به معیارهای تشخیص دعای اصیل و دربردارنده مفاهیم عرفانی گفت: سلسله روایان دعاها را وارد باید به حضرات معصومین (ع) برسند. همچنین تأییدکنندگان این ادعیه نیز باید مورد بررسی قرار گیرند. گاهی نیز دقت و تحلیل متون این دعاها مشخص می‌کند که آیا از زبان معصومان (ع) گفته شده‌اند یا خیر.

حجت الاسلام شیخ‌الاسلامی ادامه داد: مثل هر پیام دیگری که از بزرگان دینی می‌رسد دعا نیز ادبی و شناختی دارد که بزرگان ما این موارد را معرفی کردند. صحت برخی از ادعیه نیز به قدری بدیهی است که جای تردید نیست.

فکر خرمی و سازندگی دانشگاه نیز باشند.

حجت الاسلام والمسلمین دیرباز نیز در این مراسم تصریح کرد: تلاش ما این بوده که به جهت تأمین منابع مالی بیشتر برای دانشگاه گام‌هایی را برداریم اما این کار احتیاج به دعا و مساعدت هم دارد.

وی با بیان اینکه آیت‌الله قاضی این بیابان را به دانشگاه تبدیل کردند، افزود: هنوز بخش‌هایی از این دانشگاه بیابان است، ما از مسئولان شهر تقاضا می‌کنیم این دانشگاه را بخشی از شهر مقدس قم قلمداد کنند همان‌طور که به فکر آبادانی شهر هستند به فکر خرمی و سازندگی دانشگاه نیز باشند.

حجت الاسلام والمسلمین مولایی نیا نیز در این مراسم تصریح کرد: رئیس جدید این دانشگاه در اسلامی کردن دانشگاه قم که از خواسته‌های امام خمینی (ره) بود شتاب ببخشد تا این دانشگاه با منویات مقام معظم رهبری قدم‌های بزرگی را بردارد.

وی افزود: دانشگاه قم باید دانشگاه نمونه اسلامی در سطح منطقه باشد، چرا که این دانشگاه در کنار حوزه علمیه قم فعالیت می‌کند.



نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی
دوهفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی
 صاحب امتیاز و مدیرمسئول: **سیدهادی خسروشاهی**
 سردبیر: **سید محمود خسروشاهی**
 دفتر مرکزی: قم / خیابان شهدا (مفائییه) / نبش ممتاز
 تلفکس: ۱۴۲۳ ۷۷۴ صندوق پستی: ۱۳۶ چاپ: ولیعصر

مجموعه سایت‌های مرکز

مرکز بررسی‌های اسلامی: www.iscq.ir

استاد خسروشاهی: www.khosroshahi.org

پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

معرفی کتب مرکز اسناد انقلاب اسلامی

سیاست آمریکا در قبال ایران در طول جنگ سرد ۱۹۹۱-۱۹۴۷: (گزیده اسناد)

تدوین: دانشگاه جورج واشینگتن، ترجمه: نعمت‌الله عاملی
 معرفی کتاب: روابط ایران و آمریکا در چند دهه گذشته با نوسانات و فراز و نشیب‌های بسیاری همراه بوده است. مروری



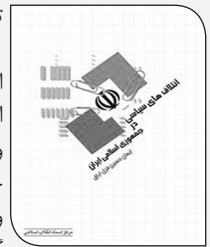
بر پیشینه ی روابط دو کشور نشان می‌دهد که دولت آمریکا همواره به دنبال مداخله در امور داخلی ایران و گسترش نفوذ خود در کشورمان بوده است.

حوادث تلخی همچون کودتای آمریکایی ۱۳۳۲ و حمایت همه‌جانبه ی آمریکا از دیکتاتوری پهلوی، پذیرش شاه پس از پیروزی انقلاب، حادثه ی طبس، کودتای نافرجام نوژه، حمایت مادی و معنوی از صدام در جنگ با ایران، اختصاص بودجه‌های کلان برای براندازی نظام جمهوری اسلامی و مخالفت با حق مسلم ایران درخصوص انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز، احساس نفرت هرچه بیشتر ایرانیان نسبت به آمریکا را برانگیخته و دیوار بلندی از بی‌اعتمادی را بین دو کشور ایجاد کرده است.

بدیهی است که تبیین شرایط کنونی و بررسی چشم‌اندازهای آینده مستلزم مطالعه ی دقیق و پیشینه روابط دو کشور است. در همین راستا مرکز اسناد انقلاب اسلامی ترجمه ی کتاب حاضر را که گزیده‌ای از اسناد آرشیوهای آمریکایی در خصوص روابط ایران و آمریکا در دوران جنگ سرد می‌باشد، تقدیم علاقه مندان مطالعات انقلاب اسلامی می‌نماید.

اتلاف‌های سیاسی در جمهوری اسلامی ایران

تألیف: ایمان حسین قزل‌ایاق
 معرفی کتاب: پس از پیروزی انقلاب اسلامی یکی از مسائل و دغدغه‌های اصلی و چالش‌برانگیز، مسئله ی وحدت و اتحاد میان گروه‌ها و نخبگان سیاسی



بوده است. به‌گونه‌ای که شعار «وحدت کلمه» یکی از کلیدواژه‌های اصلی سخنان حضرت امام(ره) محسوب می‌شد.

همچنین اختلاف‌ها و گسست‌ها نیز به‌عنوان پدیده‌های اجتناب‌ناپذیر دارای کارکردهای ویژه‌ای از جمله تأثیر مستقیم بر هویت‌یابی گروه‌بندی‌های سیاسی هستند. از این روی کثرت این اتلاف‌ها و گسست‌ها، خصوصا در یک نظام سیاسی مثل جمهوری اسلامی که محصول یک انقلاب عظیم سیاسی- اجتماعی بود، غیرعادی تلقی نمی‌شود. در این کتاب تلاش شده است زمینه‌ها، دلایل، ویژگی‌ها و پیامدهای انشعاب‌ها و اتلاف‌های سیاسی در میان گروه‌ها و جناح‌های سیاسی داخل ساختار جمهوری اسلامی، مورد بررسی و آسیب‌شناسی قرار گیرد.

رئیس مجلس عنوان کرد:

سید جمال الدین اسد آبادی؛ سلسله جنبان بیداری اسلامی



سید بود از مردم خواست از اسراف کاری، رفاه زدگی، خرافه گرایی، غفلت زدگی و تفرقه برحذر باشند و از جمهوری اسلامی به عنوان نعمت بزرگ الهی حراست و پشتیبانی کنند. رئیس مجلس با اشاره به توطئه های همیشگی دشمنان تولید بیشتر را عامل رشد جامعه دانست و تصریح کرد: واردات تورم زاست و اشتغال و تولید را نابود می کند.

در این کنگره بهروز نعمتی، نماینده مردم اسدآباد در مجلس شورای اسلامی نیز به سخنرانی پرداخت و خواستار تقویت بنیاد سید جمال الدین اسدآبادی و برگزاری کنگره این مجاهد اسلامی در گستره بین المللی شد.

همچنین حجت الاسلام سید موسی حسینی مجد، امام جمعه اسدآباد اظهار کرد: سید جمال الدین ندای مبارزه با استبداد و استعمار را بر زبان جاری کرد و با علم و اندوخته هایش وارد میدان مجاهدت شد.

وی سید جمال الدین اسدآبادی را الگویی تمام عیار برای طلاب، دانشجویان، فضلا و روحانیون دانست که اسلام محوری و خدا محوری و توجه به مذهب و دین مبنای حرکت مقدس او بود.

گفتنی است در حاشیه این کنگره نمایشگاه عکس ها و اسناد مربوط به سیدجمال الدین اسدآبادی در سالن اجتماعات اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان اسدآباد برپا بود.

لاریجانی افزود: تاریخ غرب در این دوره سیاه و سراسر آکنده از ظلم و فساد است هر چند که امروز ادعای دموکراسی دارند اما خود در آن دوران دین را از سیاست جدا کردند تا مسلمانان را تحت سلطه خود در آورند.

وی به نقش روحانیت در انسجام جامعه و مبارزه با توطئه های دشمنان اشاره کرد و گفت: نامه نگاریهای سید جمال الدین به

بزرگانی چون میرزای شیرازی زمینه شکست انگلیس را فراهم کرد و نشان داد که روحانیت وحدت بخش مسلمانان در تمام تاریخ است.

دکتر لاریجانی عدالت و اعتماد را ۲ رکن ثبات جهان سیاست دانست و افزود: غرب به سرکردگی آمریکا علیرغم تکیه بر عدالت و اعتماد، درمورد قضیه هسته ایران و صلح آمیز بودن آن، سلاح هسته ای را بهانه قرار داده اند تا مانع پیشرفتهای ما شوند. اما غرب نباید از نجابت مردم ایران سو استفاده کند وحدافل به گفته های خود پایبند باشد.

رئیس مجلس با تشریح حکومت از دیگاه سید جمال الدین اسدآبادی گفت: وی معتقد بود حاکم اسلامی باید با مشورت، تدبیر و بهره مندی از نظرات بزرگان و خبرگان کشور در مکتب قرآن گام بردارد و تمام توان خود را برای آبادانی و صلاح کشور و مردم بکار گیرد. لاریجانی با تاکید بر وحدت که خواسته همیشگی

برگزاری نکوداشت حجت الاسلام والمسلمین مهدوی‌راد در سرای اهل قلم



روز رستاخیز است و حدیث صاحب رسالت(ع) و امامان معصوم(ع)، نیز از نظر محتوا با کتاب آسمانی همسو و همسنگ می‌باشد. ارزش کار هر انسانی بدان بستگی دارد که در خدمت چه موضوعی قرار گیرد؟ مسلما خدمتگزار این دو اثر گرانبها یعنی قرآن و حدیث، و به تعبیر دیگر «تقلین»، از ارزش بالایی برخوردار است.

قهرمان گفتار ما، جناب حجت‌الاسلام و المسلمین آقای حاج‌شیخ محمدعلی مهدوی‌راد - دامت‌افاضاته- در روزگار ما، در شمار افراد برجسته‌ای است که با آثار قلمی خود، در خدمت کتاب آسمانی و احادیث اسلامی قرار گرفته است.

اثر گرانبسنگ وی به نام «تدوین‌الحديث عندالشيعة الامامية» کتاب سودمندی است که می‌تواند به بسیاری از اوهام و پندارها درمورد حدیث شیعه عملا پاسخ دهد. در این میان، اثر دیگر استاد با همکاری دوستان دیگر به نام میراث قرآنی شیعه، به سان درّ شاهوار می‌درخشد.

ابتکار و تحول از نعمت‌هایی است که به کمتر کسی داده شده ولی جای خوشبختی است که جناب مهدوی‌راد از این نعمت، به خوبی برخوردار است و گواه آن، تاسیس مجله حوزه و پس از آن، تاسیس مجله آیین پژوهش و هر دو مجله، بالأخص دومی می‌تواند به حرکت علمی در حوزه توان بیشتری بخشد.

اینجانب، دامن سخن را کوتاه کرده و از برگزارکنندگان این همایش سپاسگزاری نموده و امید آن دارد که استاد مهدوی راد، در ایجاد مثل و تربیت افرادی که ادامه‌دهنده این همه افکار و آثار باشد، کوشش بیشتری نمایند.

در ادامه حجت‌الاسلام و المسلمین رسول جعفریان، عضو هیات علمی دانشگاه تهران نیز با اشاره به دوستی دیرینه خود با این قرآن‌پژوه اظهار کرد: سال ۱۳۶۸ بود که نخستین دیدار خاطره‌انگیز بنده با استاد مهدوی‌راد در مجله حوزه صورت گرفت.

وی با بیان این‌که محمدعلی مهدوی‌راد با مفهوم

و کلماتی مانند کتاب زندگی می‌کند، اظهار کرد: امثال ایشان در تهران، قم و حتی ایران کم نظیر است. انس با کتاب و علاقه‌مندی به خرید و نگهداری آثار مکتوب به عنوان ابزاری برای کل زندگی ایشان محسوب می‌شود. پژوهشگر تاریخ اسلام اظهار کرد: فهم کتاب نهایت اهمیت را دارد و آقای مهدوی‌راد دارای یکی از بهترین کتابخانه‌های قم است که بی‌نظیر محسوب می‌شود و همه دوستان و پژوهشگران کتاب‌های کتابخانه وی را به امانت می‌برند.

وی با بیان این‌که تفکر اهمیت به کتاب باعث شد معرفی کتاب وارد مجله نشر دانش، راهنمای کتاب و آیین پژوهش شود، اظهار کرد: مجله آیین پژوهش بهترین کار در حوزه کتاب بود که باعث شد معرفی کتاب وارد محافل طلبگی شود.

حجت الاسلام جعفریان افزود: کتاب، کوچک و بزرگ ندارد و این اثر مکتوب در هر شکلی یک نیاز است. تنوع و ارجاع در کتابخانه به سبک و سیاق عرب‌ها از ویژگی‌های کتابخانه ایشان است که این الگوبرداری به پیروی از مرحوم سیدشرف‌الدین انجام شده است.

استاد مهدوی‌راد نیز در این مراسم عنوان کرد: من با تمام وجود احساس می‌کنم در سایه عنایت خداوند قرار دارم و به جرات می‌توانم بگویم یک ساعت از عمرم تلف نشد. مرحوم آیت‌الله شوشتری الگوی من بود. من با برگزاری این مراسم‌ها موافق نیستم و این جلسه را تکریم دانش، فکر، آزادی و اندیشه می‌دانم.

وی اظهار کرد: معتقدم من مصداق این مفاهیم و تکریم نیستم و افتخار می‌کنم که طلبه هستم. احتیاط در ادب ویژگی درستی بود که از من گفته شد. استاد موسوی گرم‌رودی شعر سایه‌سار نخل ولایت را سروده‌اند که هر بار آن را می‌خوانم اشک در چشمانم جاری می‌شود.

حجت‌الاسلام و المسلمین مهدوی‌راد در پایان با تشکر از حضرات آیات سبحانی، سیستانی، ری شهری، بوشهری و آقایان سیدمحمد حسینی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، علی لاریجانی و حجت‌الاسلام و المسلمین شهرستانی، از همه علمای بزرگوار که با اهدای جوایز و لوح تقدیر از وی تجلیل کردند، ادعای احترام کرد.

در بخشی از مراسم نیز از دو کتاب «ارج نامه» و «چشن‌نامه استاد محمدعلی مهدوی‌راد» که به کوشش حجت‌الاسلام رسول جعفریان منتشر شده است رونمایی شد.